

به نام چاشنی بخش زبان ها
حلاوت سنج معنی در بیان ها

جامع ترین جزوه آرایه های ادبی

حاوی کلیدی ترین نکته های تستی به همراه تست های طبقه بندی شده و ترکیبی

به کوشش: استاد ذاکری

« آرایه‌های ادبی »

◀ ۱- اسلوب معادله :

شاعر مصراعی را بگوید و در آن نکته‌ای را بیان کند و برای همان نکته در مصرع دوم با موضوعی متفاوت معادلی بیاورد.

☒ نکته ۱: در اسلوب معادله دو مصرع، دو مرجع ضمیر، دو مصداق و دو موضوع متفاوت دارد؛ بنابر این بیتی که از ابتدا تا آخر در باره‌ی یک کس، یک چیز و یک موضوع بگوید، اسلوب معادله ندارد.

☒ نکته ۲: اگر مصرع اول ناتمام و مصرع دوم مکمل آن باشد، اسلوب ندارد.

مثال:

• آینه گر نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست (اسلوب معادله ندارد)

☒ نکته ۳: در اسلوب معادله، دو مصرع با یکدیگر استقلال نحوی و معنایی دارند؛ به گونه‌ای می‌توان دو مصرع را معادل مستقل برای یکدیگر دانست.

چند نمونه:

• عشق، چون آید برد هوش دل فرزانه را
• فکر شنبه، تلخ دارد جمع‌ی اطفال را
• اظهار عجز پیش ظالم ز ابله‌ی است
• دخل بی‌جا ندهد غیر خجالت‌اثری
• از پختگی است گر نشد آواز ما بلند
• پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما

دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
عشرت امروز بی‌اندیشه‌ی فردا خوش است
اشک کباب موجب طغیان آتش است
تیر کج مایه‌ی رسوایی تیرانداز است
کی از سپند سوخته گردد صدا بلند؟
آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها

◀ نمونه‌هایی از اسلوب معادله :

• سیری زمال نیست تهی چشم حرص را
• قطع امید کرده نخواهد نعیم دهر
• لعل را گر مهر نبود باک نیست
• عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود
• شاهد پاکی طینت، سخن ما کافی‌ست
• روشن دلان خوش آمد شاهان نگفته‌اند
• در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود
• سیل از کشور ویرانه تهی دست رود
• ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را
• دلی که نیست خراشی در او زمین‌گیر است
• در نگیرد صحت زاهد به صافی مشربان
• آدمی پیر چو شد حرص جوان می‌گردد
• چه حاجت است به تحصیل علم عارف را؟
• آن را که بُود مغز و خرد خاموش است

غربال را ز کثرت حاصل چه فایده
شاخ بریده را نظری بر بهار نیست
عشق را دریای غم غمناک نیست
موی اندر شیر خالص زود پیدا می‌شود
جوهر ذاتی چینی، ز صدا معلوم است
آینه عیب پوش سکندر نمی‌شود
تیر کج چون از کمان بیرون رود رسوا شود
باده با مردم غافل چه تواند کردن؟
ز قحط سال، هما بینوا نخواهد شد
زری که سگه ندارد روان نمی‌باشد
زشت در یک دیدن از آینه رو گردان شود
خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد
زخود برآمده را نردبان نمی‌باید
از کاسه‌ی پُر، صدا نیاید بیرون

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۲- حسن تعلیل :

اینکه شاعر نکته‌ای بگوید و برای آن دلیلی بیاورد که هر چند عقلی و منطقی نباشد، اما کاملاً شاعرانه و هنرمندانه باشد.

☒ نکته ۱: در حسن تعلیل حتماً باید اتفاق بیفتد، اما دلیل شاعرانه‌ی آن با یکی از حروف علت: که، چون، زیرا و ... و یا معانی چرایی در آن باشد.

هنوز می‌پرد از شوق، چشم کوب‌ها
که چندین گل اندام در خاک خفت
پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد
سرخ است لبست اینک منکر نتوان بودن
ندید اندر جهان تاراج غم را
طالب چشمه‌ی خورشید درخشان نشود
جهان در زر گرفتگی محتشم وار
مرو از راه که آن خون دل فرهاد است
که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست
تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
پس زاهدان برای چه خلوت گزیده‌اند
زیر هر برگ چراغی بنهد از گلنار (حسن تعلیل)
گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد (حسن تعلیل)
در حسن تعلیل دو مصراع مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه معانی دو مصراع کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند.

- به یک کرشمه که در چشم آسمان کردی
- عجب نیست از خاک اگر گل شکفت
- باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر
- خون دل مشتاقان خورده است لب لعلت
- چو سرو از راستی بر زد علم دارد
- ذره را گر نبود همت عالی حافظ
- چو صبح صادق آمد راست گفتار
- گر پر از لاله‌ی سیراب بود دامن کوه
- به صدق گوش که خورشید زاید از نفست
- من موی خویش نمی‌کنم سیاه
- گر شاهدان نه دنیا و دین می‌برند و عقل
- تا نه تاریک بود سایه‌ی انبوه درخت
- رسم بد عهدی ایام چو دید ابر بهار

☒ نکته ۳: در حسن تعلیل دو مصراع مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه معانی دو مصراع کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند.

- تا چشم تو ریخت خون عشاق
- مگر شرمنده از تیغ شه و ابروی جانان شد
- چون جگر عاشقان می‌خورد این شب به ظلم

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۳- حس آمیزی :

در آمیختن دو یا چند حس از حواس پنج‌گانه که در عین حال وقوع عملی نداشته باشد، مثلاً دیدن صدا، با نمک بودن قیافه، زبان چرب، خواب لطیف، رنگینی سخن، سردی نگاه، صدای گرم، سکوت سرد، خاطرات تلخ، سکوت سرخ، پوزخند نمکین و ...

شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد
بکشید سوی خانه‌های خوب خوش لقا را
که سرتا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد
چه شد ای بهار لاله که شنیدم از تو بویی
شب تاریک فروزننده سحرها دارد

- بوی بهبودی ز اوضاع جهان می‌شنوم
- به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های رنگین
- از این شعرتر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم
- به عزای لاله‌ها و به خزان آرزوها
- آخر این ناله‌ی سوزنده اثرها دارد

• تیرگی می‌آید، دست می‌گیرد آرام، قصه‌ی رنگی روز، می‌رود رو به تمام

• مثل این است که شب غمناک است / دیگران را هم غم به دل، غم به لب، غمی نمناک است

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۴- تضاد :

آوردن کلمات ضد هم که دارای مصدق‌ها و مرجع‌های جداگانه باشد.

خروش و ولوله در شیخ و شاب انداز
نهان راستی، آشکارا گزنفرو
پراکنده شد ندام دیوانگان
چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
با همه تیغ برکشم و ز تو سپر نیفکنم
شور شیرین به سر تو که فتد کوهکن است

- بیا و کشتی ما در شط شراب انداز
- هنر خوار شد، جادویی ارج‌مند
- نهان گشت آیین فرزندگان
- سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
- شهری اگر به قصد من جمع شدند و متفق
- بیستون کنند فرهاد، نه کاری است شگفت

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

← ۵- تناقض (متناقض‌نما، پارادوکس):

این که دو صفت ضد هم به یک کس و یا یک چیز برگردد که در عین حال وقوع عملی نداشته باشد.

☒ نکته مهم : در تناقض به قانون صفر و صد توجه شود؛ یعنی آوردن ویژگی‌ای در آن واحد که ویژگی ذاتی خود را نقض کند؛ آتش سرد، صدای سکوت، شب روشن، سموم سرد، سوختن از خام، آرامش طوفانی.

- دیده‌ی بخت مقبلان نشود
- به دو چشم خون فشام، هله ای نسیم رحمت
- ای آفتاب خوبان می‌جوشد اندرونم
- هر شب‌نمی در این ره، صد بحر آتشین است
- اگر ت سلطنت فقر بخشند ای دل
- لاله و گل زخمی خمیازه‌اند
- ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
- فلک در خاک می‌غلتید از شرم سرفرازی
- کی شود این روان من ساکن
- هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای
- زان سوی بحر آتش گر خوانیم به لطف
- می خورم جام غمی هر دم به شادی رخت
- چنین نقل دارم ز مردان راه
- جز بدان خاک آستان روشن
- که ز کوی او غباری به من آر توتیا را
- یک ساعت بگنجان در سایه‌ی عنایت
- دردا که این معما شرح و بیان ندارد
- کمترین ملک تو از ماه بود تا ماهی
- عیش این گلشن خماری بیش نیست
- از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
- اگر می‌دید معراج از پا افتادن ما را
- این چنین ساکن روان که منم
- من در میان جمع و دلم جای دیگر است
- رفتن به سوی آتشم از آب خوش‌تر است
- خرم آن کس که کوبید غم شادمانی
- فقیران منم گدایان شاه

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

← ۶- سجع:

- به کلمات آهنگین پایان جملات در نثر گفته می‌شود.
- هر چه نپاید، دلبستگی را نشاید
 - خلاف راه صواب است و نقض رای اولوالالباب که ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام
 - از گل بوستان هنوز بقیتی مانده بود که کتاب گلستان تمام گشت (در پایان آهنگین نیست؛ سجع ندارد)
 - من شبان و روزان، آشکارا و نهان شما را به رزم این مردم تیره روان خواندم (سجع ندارد چون تنها یک جمله دارد).
 - به جفایی و قفایی نرود، عاشق صادق (سجع ندارد، چون یک جمله است)
 - الهی ترسانم از بدی خود بیامرز مرا به خوبی خود (سجع دارد)
 - نصیحت پادشاهان کردن کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر (سجع دارد)
 - ای نه مردان به صورت مرد / وای کم خردان ناز پرورد / کاش شما را ندیده بودم و نمی‌شناختم (سجع دارد)
 - که به خدا سوگند پایان این آشنایی ندامت بود و دستاورد آن اندوه و حسرت بود . (سجع دارد)
 - هر که را زر در ترزوست، زور در بازوست (سجع دارد)
 - طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل (سجع دارد)

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

← ۷- جناس:

- (۱) جناس تام : اینکه دو کلمه‌ی هم جنس، از نظر لفظ و نوشتار یکسان، اما در معنا متفاوت باشد.
- ای خدا ای فضل تو حاجت روا
 - خرامان بشد سبوی آب روان
 - عشق شوری در نهاد ما نهاد
 - خورده‌ست خدا ز روی تعظیم
 - نیک خواه‌ها در آتشم بگذار
 - سخن کز سوز دل تابی ندارد
 - با تو یار هیچ کس نبود روا
 - چنان چون شده باز جویید روان
 - جان ما در بوت‌هی سودا نهاد
 - سوگند به روی هم چو ماهیت
 - وین نصیحت مکن که بگذارش
 - چکد گر آب از آن آبی ندارد

نکته: اگر پایان دو مصرع کلمات تکراری بود به یک کلمه قبل از آن نگاه می‌کنیم در صورتی که قافیه باشد معمولاً دو کلمه‌ی تکراری ردیف است در غیر اینصورت جناس تام و قافیه است.

مثال:

لب از تشنگی خشک بر طرف جوی
همی رو که از قید هستی رهی

• دلارام در دلارام جوی
• طریقی فرا پیش گیر و رهی
نمونه‌های دیگر از آرایه جناس تام:

که کید و سحر به ضحاک و سامری آموخت
چنان شاد خسبد که سلطان به شام
تو که قلب دوستان را به مفارقت شگفتی
دست آن مشاطه را باید جدا از شانه کرد
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

• غلام آن لب ضحاک و چشم فتانم
• گدا را چو حاصل شود نان شام
• نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا
• تار زلفت را جدا مشاطه‌گر از شانه کرد
• نه من از پرده‌ی تقوا به در افتادم و بس

۲) جناس ناقص: این که دو کلمه‌ی هم‌جنس، در یک حرف از نظر تفاوت و یا افزایش و یا در حرکت متفاوت باشند. که به سه قسمت حرکتی، اختلافی و افزایشی تقسیم می‌شود.

(کوه-شکوه) (زان-زیان) (پایان-پایانه)
(بنات-نبات)
بد نشد با غزلی صید غزالی کردم
ز انتهای شبان شمسوار می‌آید

• (کمال-جمال) (زمان-زمین) (یاد-یار)
• (حکم-حکم) (رُفت-رُفت) (اهمال-امهال)
• شهریار غزل خواند، غزالی و وحشی
• کلید صبح به دست و سرود عشق به لب

نکته: اگر اختلاف دو کلمه‌ی هم‌جنس بیش از یک حرف باشد جناس نبوده بلکه اشتقاق است.

• (مفتاح-مفتوح) - (طلوع-طلعت-طالع) - (راحت-روح) - (مصباح-صبوح)

نکته: جناس چه تام و چه ناقص باید از نظر معنا متفاوت باشد

• (پیل-فیل) (جناس ندارد)

← نمونه‌هایی از جناس تام و ناقص:

- ۱- صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برخواست / عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد (جناس ناقص حرکتی)
- ۲- ای مهر تو در دلها، وی مهر تو بر لبها / وی شور تو در سُرّها وی سِرّ تو در جانها (جناس ناقص اختلافی)
- ۳- آن کس است اهل بشارت که اشارت داند / نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست (جناس ناقص اختلافی)
- ۴- پیش رویت دگران صورت بر دیوارند / نه چنین صورت و معنی که تو داری دارند (جناس تام)
- ۵- دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا / زُهره‌ی شیر است مرا، زُهره‌ی تابنده شدم (جناس ناقص اختلافی و حرکتی)

جناس ناقص

- ۶- بیامد بمالید و زین بر نهاد / شد از رخس رخشان و از شاه شاد (جناس ناقص اختلافی)
- ۷- کفر است در طریقت ما کینه داشتن / آیین ماست سینه چو آیین داشتن (جناس ناقص افزایشی)
- ۸- بر دوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم / تا دیده‌ی من بر رخ زیبای تو باز است (جناس تام)
- ۹- ای آسمان چو دورندیمان‌ش دیده‌ای / در دور خویش، شکل مدور گرفته‌ای (جناس تام)
- ۱۰- گر آمدم به کوی تو چندان غریب نیست / چون من در آن دیار هزاران غریب هست (جناس تام)
- ۱۱- وانکه گیسوی تو را رسم تطاول آموخت / هم توانش کرمش داد من مسکین داد (جناس تام)
- ۱۲- نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا / تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی (جناس تام)
- ۱۳- با زمانی دیگر انداز، ای که پندم می‌دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست (جناس تام)
- ۱۴- گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل / گُل از خارم برآوردی و خار از پا و پا از گِل (جناس ناقص حرکتی)
- ۱۵- ای گدایان خرابات، خدا یار شماست / چشم انعام مدارید ز انعامی چند (جناس ناقص حرکتی)
- ۱۶- صاف‌های جمله عالم خورده‌گیر / همچو دُرد دُرد دین جُستم، نیست (جناس ناقص حرکتی)
- ۱۷- مکن تا توانی دل خلق ریش / وگر می‌گنی می‌گنی بیخ خویش (جناس ناقص حرکتی)
- ۱۸- دل من هست از این بازار، بیزار / قسم خواهی به دادار و به دیدار (جناس ناقص اختلافی)

- ۱۹- بدانکه که خیزد خروش خروس / ز درگاه برخاست آوای کوس (جناس ناقص اختلافی)
- ۲۰- شرف مرد به جُود است و کرامت به سُجود / هر که این دو ندارد عدمش به ز وجود (۱- سجود و وجود: جناس ناقص اختلافی ۲- جود و سجود: جناس ناقص افزایشی)
- ۲۱- ساقی به نور باده بر افروز جام را / مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما (جناس ناقص اختلافی)

★ نمونه‌هایی از واژه‌هایی که می‌توانند در صورت تکرار جناس تام باشند.

آهو: نام حیوان - عیب و گناه	زاد: توشه - سن و سال	چین: نام کشور - چین و تاب	تنگ: باریک - بار شکر
رهی: راه - رهایی	باد: اسم باد - باشد	نهاد: قرارداد - باطن	داد: عدل و داد - پرداخت
دوش: دیشب - کتف	آهنگ: موسیقی - قصد	چنگ: نوعی ساز - پنجه	پری: پریدن - حور و پری
بار: بار - اجازه	پرده: موسیقی - حجاب	روان: روح - جاری	گلستان: باغ - کتاب سعدی
مهر: خورشید - محبت	جوی: رودخانه - بجوی	روی: چهره - فلز روی	زیر: پایین - صدای نازک
قلب: وسط - دل	تامی: نی - نام زندان	قامت: اندام - اجزای نماز	ده: روستا - بره
گلیم: فرش و گلیم - گلیم هستیم	هوا: هوا و فضا - عشق و آرزو	جهان: جهان - دنیا	منال: مال و ثروت - ننال
بهشت: جنت - فرو گذاشت	لب قلب و دهان ساحل و کناره	جولان: منطقه‌ای در سوریه - تاز	باز: نوعی پرند - دوباره
پر: پریدن - پر و بال	گور: گورخر - قبر و گور	هزاران: عدد شمارشی - بلبل	

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

۸- واج آرای (نغمه‌ی حروف):

از تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها که باعث آهنگین شدن کلام شود.

☒ نکته مهم: واج آرای مصوت‌ها نامحسوس‌تر از صامت می‌باشد و باید به آن توجه شود.

- باده‌ی گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک
 - خوابِ نوشین بامدادِ رحیل
 - بیا و کشتی ما در شط شراب انداز
 - بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
 - خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد
 - شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
 - خوابِ نوشین بامدادِ رحیل
 - ریاست به دست کسانی خطاست
 - دلت به وصل گل ای بلبل صبا خوش باد
 - نرگس مست نواز شگر مرد مدارش
 - زلف او دام است خالش دانه‌ی آن دام من
 - من مانده‌ام مهجور از او دلخسته و رنجور از او
 - لبخند تو خلاصه‌ی خوبیهاست
- نقلش از لعل نگار و نقلش از یاقوت‌خام (واج آرای مصوت -)
- باز دارد پیاده را ز سبیل (واج آرای مصوت -)
- خروش و ولوله در شیخ و شاب انداز (واج آرای ش)
- بیار باده که بنیاد عمر بر باد است (واج آرای ب - س - ا)
- که تاز خال تو خاکم شود عبیر آمیز (واج آرای خ - ا)
- غنیمت است چنین شب که دوستان بینی (واج آرای در "ش")
- باز دارد پیاده را ز سبیل (واج آرای مصوت -)
- که از دستشان دست‌ها برداشت (واج آرای در "س")
- که در چمن همه گلبنک عاشقانه ماست (واج آرای در "ل")
- خون عاشق به قدح گربخورد نوشش باد (واج آرای در "ش")
- بر امید دانه‌ای افتاده در دام او (واج آرای در "د" و "م" و "ا")
- گویی که نیشی دور از او در استخوان می‌رود (واج آرای در "م" و مصوت "و")
- لختی بخند، خنده‌ی گل زیباست (واج آرای در "خ")

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۹- تلمیح:

- اینکه در کلام به آیه، حدیث، داستان و واقعه تاریخی اشاره‌ای شود (در لغت به گوشه‌ی چشم اشاره کردن است).
- من آن خُسن غریبم کاروان آفرینش را
 - خورده‌ست خدای زروی تعظیم
 - طغرای جلال تو لعم‌رک
 - به تمنای تو در آتش محنت چو خلیل
 - شعر اگر اعجاز باشد بی بلند و پست نیست
 - تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش
 - مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
- که جای سیلی‌اخوان بودنیل بناگوشم (تلمیح به داستان یوسف (ع))
- سوگند به روی هم چو ماهیت
- منشور ولایت تولولاک (تلمیح به آیه‌ی "لعمراک انهم لفی سکرتهم یعمهون")
- گو ییا در چمن لاله و ریحان بودم
- ورید بیضا همه انگشت‌ها یکدست نیست
- تا زان پس به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی
- یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو

★ معرفی برخی تلمیحات و اشارات موجود در کتاب‌های درسی و تست‌های رایج در کنکور:

- ✓ اشاره به داستان، خضر نبی - اسکندر: آب حیات - آب حیوان - چشمه حیات - آب زندگانی و ...
- ای که ز آب زندگی لعل تو می‌دهد نشان
- ✓ اشاره به داستان آدم و حوا و بهشت: گندم - میوه ممنوعه - باغ بهشت، سایه طوبی - دلجویی حور لب حوض - درخت سدره و ...
- پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت
- ✓ اشاره به داستان خلقت و آفرینش انسان:
- آب چه دانست که او گوهر گوینده شود
- ✓ معراج پیامبر (ص):
- ای از بسر سدره شاهره
- ✓ داستان حضرت ابراهیم (ع) و کلمات: گلستان - بُت - آزر - ابراهیم و ...
- یارب این آتش که در جان من است
- ✓ اشاره به داستان حضرت عیسی (ع) و دم مسیحایی:
- مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
- ✓ اشاره به داستان حضرت نوح و طوفان و کشتی و ...
- ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند
- ✓ داستان حضرت موسی (ع)، آتش طور - صحرای سینا، وادی ایمن، یدبضا، گوساله‌ی سامری، فرعون و ...
- شب تار است و ره وادی ایمن در پیش
- ✓ ماجرای حضرت سلیمان و بلقیس و دیو و خاتم سلیمانی و ...
- از لعل تو گر یابم انگشتی زنه‌ار
- ✓ داستان یوسف (ع) - کنعان - یعقوب، برادران یوسف، ماجرای زلیخا، نیل مصر و ...
- ملامت گوی بی حاصل ترنج از دست نشناسد
- ✓ همچنین داستان‌هایی از حضرت داوود، ایوب، شعیب، صالح، یحیی، یونس و ... در ابیات به صورت تلمیح دیده می‌شود.

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۱۰- اغراق:

- اینکه در کلام سخنی آورده شود که از نظر عقلی و منطقی محال باشد. (صفات غیر معمول و محال)
- اگر چه نقش دیوارم به ظاهر از گران خوابی
 - اگر رنگ از رخ گل می‌پرد بیدار می‌گردم
 - ✳ نکته ۱: در ادب فارسی "اشک و آه" معمولاً در کاربردی اغراق آمیز به کار می‌رود.
 - تیر آن ما ز گردون بگذرد حافظ خمش
 - رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

نکته ۲: اغراق مناسب‌ترین شیوه برای آفرینش صحنه‌های حماسی است.

- شود کوه آهن چو دریای آب
- هر گه به صد کرشمه پری‌وار بگذری
- به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار
- گر برگ گل کنی پیراهنش را
- به دنبال محمل چنان زار بگریم
- تو به هنگام سخن گر نشوی موی شکاف

نکته ۳: در کنایه آوردن معنای دور منظور گوینده است و معنای نزدیک اغراق آمیز آن توجهی ندارد، اما در اغراق هدف گوینده آوردن سخنی است که محال عقلی باشد.

- چون کوه نشم من با تاب و تب پنهان
- می‌توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر
- صد زلزله برخیزد آن گاه که برخیزم
- بوی پیراهن اگر قافله سالار شود

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

← ۱۱- تضمین (درج) :

آوردن عین آیه، حدیث و یا مصراع و یا بیتی از شاعری دیگر در ضمن کلام.

- به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ
- چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت
- ای روح-لیله‌القدر "حتی اذامطلع الفجر" (تضمین از آیه قرآن)
- خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم
- نشود مرغ چمن هم نفس زاغ و زغن
- اگر خونین دلی از جور ایام
- "منم که شهره‌ی شهرم به عشق ورزیدن" (تضمین شهریار از حافظ)
- شیوه‌ی "جنات تجری تحت الانهار" داشت (تضمین از آیه قرآن)
- کزنسیمش "بوی جوی مولیان آیدهمی" (تضمین از حافظ از رودکی)
- "روح‌را صحبت ناچنس عذابی است الیم" (تضمین شهریار از حافظ)
- "لب خندان بیاور چون لب جام" (تضمین فریدون مشیری از حافظ)

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

← ۱۲- تشبیه:

۱- مشبه: کلمه یا گروهی از کلمات که به طرف دیگر مانند شود.

۲- مشبه به: کلمه یا گروهی از کلمات که مشبه، به آن مانند شود.

۳- ادات تشبیه: کلماتی شامل چون، مثل، به سان، به کردار، گویی که و... که رابطه میان مشبه و مشبه به می‌باشد.

۴- وجه شبه: صفت یا ویژگی مشترک میان مشبه و مشبه به که علت و بهانه‌ی تشبیه می‌باشد.

- چون شب‌نم اوفتاده بودم، پیش آفتاب
- مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم
- نکته: گاهی در تشبیه ادات تشبیه و یا وجه شبه و یا هر دو حذف می‌شود و فقط دو رکن اصلی تشبیه یعنی مشبه و مشبه به باقی می‌ماند که به آن تشبیه بلیغ می‌گویند.

و اگر این دو رکن به صورت کسره به یکدیگر اضافه شوند اضافه‌ی تشبیه می‌باشد.

- عشق، دریایی کرانه ناپدید ← حذف ادات تشبیه
- و نگاهش مثل خنجر بود ← حذف وجه شبه
- آتش است این بانگ نای و نیست باد
- هر که این آتش ندارد نیست باد ← حذف ادات و وجه شبه

نکته: همیشه مشبه نهاد جمله است و مشبه به ملموس تر و حسی تر از مشبه می‌باشد که وجه شبه در آن بارزتر است.

اضافه‌ی تشبیه‌ی: این که مشبه و مشبه به، با نقش نمای اضافه به یکدیگر مربوط شوند.

- کوه فضل، خانه‌ی دل، طاق ابرو، سلسله‌ی زلف، مهرخ، چشمه خورشید، تیرمژگان
- باران رحمت، خوان نعمت، پرده‌ی ناموس، وظیفه‌ی روزی، فراش بادصبا، دایه‌ی ابربهاری، بنات نبات، مهد زمین، قبای سبز ورق، اطفال شاخ، لعل لب، خواب غفلت، شراب عشق، خوان زمین، کمند گیسو، اکسیر عشق
- آخر برآمد از لب لعل تو کام ما
- تا به دام سر زلف تو گرفتار شدم
- هدف تیر ملامت بر اغیار شدم

- به شب زنجیر آن پری را یاد کردم
 - تیره آه ما ز گردون بگذرد حافظ خموش
 - چراغ‌های ذهنش روشن بود
 - راه آزادی به روی گילה مرد بسته بود
- ✎ نکته: در اضافه‌ی تشبیهی، وجه شبه در آن عبارت یا فعل می‌آید.

← نمونه‌های مهم اضافه‌ی تشبیهی:

جوانه‌های تخیل	سراچه‌ی ذهن	دفتر عشق	صفحه ضمیر	دام تعلق خاک
تیر بلا	نسیم روحانیت	جرعه‌ی اندوه	بزم عشق	گلدسته سرو
حوض نقاش	شکوفه‌های اشک	جامه‌ی تقوا	جامه‌ی خواری	باران غیبی سکوت
خلوت انس	کاسه‌ی فهم	جریده عالم	تیر گمراهی	کتم عدم
حصار بردباری	چراغ هدایت	فرآش باد صبا	دایه‌ی ابر بهاری	بنات نبات
حام عافیت	شاخ آرزو	بار امانت	در صلح	شاهد آرزو
گورستان شکم	نخل ولایت	کیمیای سعادت		
خلق همه یکسره نهال خدایند				
هیچ نه برکن تو زین نهال و نه بشکن				
شمع خرد برفروز، در دل و بشتاب				
با دل روشن به سوی عالم روشن				
معدن علم است دل چرا بنشانندی				
جور و جفا در این مبارک معدن				

← نمونه‌هایی از تشبیه:

- ۱- دیده‌ی اهل طمع به نعمت دنیا پر نشود همچنان که چاه به شبنم
 - ۲- آن شاخه‌های نارنج اندر میان ابر چون پاره‌های اخگر اندر میان دود
 - ۳- جرم گردون تیره و روشن در او آیات صبح گویی اندر جان نادان خاطر
 - ۴- به چمن خرام و بنگر بر تخت گل که لاله به ندیم شاه ماند که به کف ایاغ دارد
 - ۵- در خم زلف تو آن خال سیه‌دانی چیست نقطه‌ی دوده که در حلقه‌ی جیم افتاده است
 - ۶- رخ گل را که عکس روی یار است هوا مشاطه، آب آینه دار است
 - ۷- ماه خورشید نمایش ز پس پرده‌ی زلف آفتابی است که در پیش سحابی دارد
- ۱- دیده‌ی اهل طمع (مشبهه) / چاه (مشبهه به)
- ۲- نعمت دنیا (مشبهه) / شبنم (مشبهه به)
- ۱- شاخه‌های نارنج (مشبهه) / پاره‌های اخگر (مشبهه به)
- ۲- ابر (مشبهه) / دود (مشبهه به)
- ۱- جرم گردون (مشبهه) / تیره و روشن در او آیات صبح (مشبهه به)
- ۲- گویی اندر جان نادان خاطر (مشبهه به)
- ۱- به چمن خرام و بنگر بر تخت گل که لاله (مشبهه) / به ندیم شاه ماند که به کف ایاغ دارد (مشبهه به)
- ۲- لاله (مشبهه) / ندیم ایاغ (مشبهه به)
- ۱- در خم زلف تو آن خال سیه‌دانی چیست (مشبهه) / نقطه‌ی دوده که در حلقه‌ی جیم افتاده است (مشبهه به)
- ۲- خم زلف (مشبهه) / حلقه جیم (مشبهه به)
- ۱- رخ گل را که عکس روی یار است (مشبهه) / هوا مشاطه، آب آینه دار است (مشبهه به)
- ۲- آب (مشبهه) / آینه دار (مشبهه به)
- ۳- هوا (مشبهه) / آفتاب (مشبهه به)
- ۱- ماه خورشید نمایش ز پس پرده‌ی زلف (مشبهه) / آفتابی است که در پیش سحابی دارد (مشبهه به)
- ۲- پرده‌ی زلف (مشبهه) / اسباب (مشبهه به)

۸- قرار در کف آزادگان نگیرد مال	چون صبر در دل عاشق چو آب در غربال	۱- قرار گرفتن مال (مشبه) صبر/ آب (مشبه به)
۹- ای زلف تو هر خمی کمندی	چشمت به کرشمه چشم بندی	۱- زلف تو (مشبه) / کمند (مشبه به) ۲- چشمت (مشبه) / چشم بندی (مشبه به)
۱۰- از دیده‌گر سرشک چو باران چکیدرو است	کاندر غمت چو برق شدروزگار عمر	۱- سرشک (مشبه) / باران (مشبه به) ۲- روزگار عمر (مشبه) / برق (مشبه به)

❑ برخی از رایج‌ترین تشبیهات در ادب فارسی:

- ✓ تشبیه "دل" به "کعبه، شیشه، آینه، خانه، دریا، سنگ، گوی و ..."
- ✓ تشبیه "چهره" یا عارض، عذار، روی، رخسار به "خورشید، مهر، ماه، صبح، گل، بهشت و ..."
- ✓ تشبیه "مو" یا زلف و گیسو به "سنبل، دام، زنجیر، کمند، سلسله، شام، شب، ابر، مُشک، چوگان و ..."
- ✓ تشبیه "چشم" به "نرگس، چراغ، شمع، بادام، آینه و ..."
- ✓ تشبیه "لب" به "لعل، یاقوت، عقیق، آب حیات، غنچه، قند، شکر، شراب و ..."
- ✓ تشبیه "دهان" به "حُقَّة لعل، پسته، تُنگ شکر، نقطه و ..."
- ✓ تشبیه "مژه" به "تیر، ناوک، خنجر و ..."
- ✓ تشبیه "ابرو" به "کمان، طاق، هلالی، محراب، ماه نو و ..."
- ✓ تشبیه "خال" به "دانه، سپند، گندم، جو، مُشک و ..."
- ✓ تشبیه "میان یا کمر" به "موی و ..."
- ✓ تشبیه "قامت" به "سرو، صنوبر، شمشاد و ..."
- ✓ تشبیه "جان" به "گوهر، مرغ، طوطی، پرند و ..."
- ✓ تشبیه "دنیا" به "بازار، کاروان سرا، رباط، قفس، دامگه دیو، مزرع، گلستان و ..."
- ✓ تشبیه "غم" به "بحر، دام، خار، خنجر، عشق، بند و ..."

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۱۳- استعاره:

در لغت به معنی عاریه یا قرض گرفتن است و در اصطلاح آوردن لفظی در غیر معنای حقیقی است.

توضیح: استعاره از تشبیه به وجود می‌آید، با این تفاوت که در استعاره یکی از دو رکن اصلی تشبیه یعنی یا مشبه و یا مشبه به می‌آید.

- بهاران که شادباش ریزد سپهر (شادباش: استعاره از باران)
- تا عکس لعل بیفتاد به جام ما ("لعل" استعاره از لب)
- نرگس مست تو کز ناژ بر ابرو خم زد ("نرگس" استعاره از چشم)
- به صحرا شدم، عشق باریده بود و زمین تر گونه می‌شود. ("عشق" استعاره از باران)
- هزاران نرگس از چرخ جهان گرد فروشد تا بر آرد یک گل زرد ("نرگس" استعاره از ستاره، "چرخ" استعاره از آسمان و "گل زرد" استعاره از خورشید)

❑ **نکته ۱:** در ادب فارسی معمولاً "بت، صنم، نگار، ساقی، ترک، شاهد، لعبت" استعاره از "معشوق" است و نیز کلمات "لعل و یاقوت، سنبل، ماه، نرگس، سرو شمشاد" معمولاً به ترتیب استعاره از "لب، گیسوان، چهره، چشم و قامت معشوق" است.

• **بُتی** دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد **بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد**
(بتی: استعاره از معشوق - سنبل: استعاره از زلف - بهار عارضش: اضافه تشبیهی - خطی: استعاره از دور صورت)

❑ **نکته ۲:** اگر صفت و یا ویژگی‌ای به غیر انسان، اشیاء و یا امورات ذهنی قرض داده شود اضافه‌ی استعاری است و اگر این صفت ویژگی انسانی باشد آرایه‌ی تشخیص را پدید می‌آورد (یعنی هر تشخیصی استعاره است اما هر استعاره‌ای تشخیص نیست).

- بیخ عشق، برگ‌ریزان حواس، بال نسیم، پرواز خیال، عنان عقل، بام سعادت، اساس تزویر، فروغ رخ
 - روح بنا، کنگره‌ی کبریا، دست روزگار، گوش طرب، چشم خرد، عنان قلم، دُم قلم، غرق حیرت، بوی محبت، آبروی فقر و قناعت، حیثیت مرگ، بدعه‌دی ایام، دامان قیامت، روح کلام، طَرّه‌ی عشق، گریبان صبح، کام جهان، ریشه‌های دوستی
- ✳ نکته ۳: مخاطب کردن غیرانسان با (ای و یا) و همچنین کاربرد ضمیر شخصی برای غیرانسان تشخیص و استعاره است.

مثال:

- ای آبشار نوحه گر از بهر چیسستی
- ای صبا هجر بگو یار کجاست
- ای آسمان که بر سر ما چرخ می‌زنی
- در فشان لاله در وی چون چراغی
- صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- چین بر جبین فکنده ز اندوه کیستی
- ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
- ای مشیت زمین بر آسمان شو
- ولیک از دود او بر جاناش داغی
- که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را

← نمونه‌هایی استعاری / نمونه‌های مهم اضافه استعاری

دل شب	چشم ناله	دست شکوه	دستهای مرگ	آغوش خوشبختی
حلقوم چاه	دست هوا	سُفت جان	غرقه‌ی وهم	حمله‌ی حسد
روح بنا	کنگره‌ی کبریا	زبان برگ	خون خورشید	غرق بوسه
بال نسیم	دست جفاپیشه‌ی دهر	سرپنجه گرسنگی	تنفس صبح	آواز گنجشک
پای اوهام	پایه‌ی افکار	چنگال ستمکاران	حیثیت مرگ	روییدن عشق
فرق فرقدان	سراپای معماری	چشم‌های زمین	جان تیرگی	قلب کویر

✳ نکته: اضافه استعاری با اضافه اقترانی اشتباه نشود، نمونه‌های اضافه‌ی اقترانی

دست دریغ	انگشت‌های تشریح	دست رد	پای تعدی	پای بطلان
گردن ابتکار	دست خرج	دست انابت	گوش استماع	اشک شوق
چون بگویی بفشانی گهر از حقّه لعل				
چون بخندی بنمای ز شک مروارید				
فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید				
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد				
ز عشق آفاق را پر دود دیدم				
خرد را دیده خواب آلود دیدم				
در آفاق گشاده است ولیکن بسته است				
از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر				

← نمونه‌هایی از استعاره:

- ۱- بُتی دارم که گرد گُل ز سنبُل سایه‌بان دارد
- ۱- بت: استعاره از آتش * ۲- گل استعاره از صورت معشوق * ۳- سنبُل استعاره از زلف معشوق * ۴- خطی به خون ارغوان: استعاره از لب معشوق
- ۲- گلا و تازه بهار / تویی که عارض تو
- ۱- گل و تازه بهار استعاره از انسان * ۲- "گل و بهار" استعاره از معشوق
- ۳- هزاران نرگس از چرخ جهانگردی
- ۱- "نرگس" استعاره از ستاره * ۲- "چرخ" استعاره از آسمان * ۳- "گل زرد" استعاره از "خورشید"
- ۴- شمس و قمر آمد، سمع و بصر آمد
- "شمس و قمر و سمع و بصر و کان زر" استعاره از معشوق
- ۵- چون تنها ماند ماه سرو بالا
- ۱- "ماه" استعاره از انسان * ۲- "نرگس" استعاره از "چشم" * ۳- "لؤلؤ" استعاره از "اشک"
- ۶- مرا برف باریده بر پر زاغ
- ۱- "برف" استعاره از موی سپید پیری * ۲- "پر زاغ" استعاره از "موی سیاه جوانی"
- ۷- برید و میان را به گیسو ببست
- به فندق گل و ارغوان را بخست

- ۱- "فندق" استعاره از ناخن * ۲- "گل و ارغوان" استعاره از صورت
 ۸- بیه آواز بر جان افراسیاب
 ۱- "نرگس" استعاره از "چشم" * ۲- "گل" استعاره از "صورت"
 ۹- به صحرای شدم عشق باریده بود
 ۱۰- تو را از کنگره‌ی عرش می‌زنند صفیر
 "عرش" استعاره از "قصر" معشوق
 ۱۱- قضا چون ز گردون فرو هشت پر
 "قضا" استعاره از "پرنده" معشوق
 ۱۲- فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
 "حقیقت" استعاره از "پرنده"

❑ برخی از استعارات رایج در ادب فارسی:

- ✓ نرگس استعاره از چشم و ستاره
- ✓ بازار، دامگه، کاروان سرا، رباط، زندان، قفس، گلشن ← استعاره از دنیا
- ✓ خسرو خاور، شمع، چراغ، طاووس آتشین پر ← استعاره از خورشید
- ✓ چرخ، گنبد نیلوفری، گردون، مینا ← استعاره از آسمان
- ✓ لؤلؤ و مروارید، گوهر استعاره از "سخنان ارزشمند" و یا "دندان"
- ✓ ماه، بدر منیر، ماه دوهفته، خورشید، آفتاب‌وفا، شمع، آهوی وحشی، شاهباز شاه، خسرو، بهار، تازه بهار، گل و... استعاره از معشوق است.
- ✓ بلبل، پروانه، عندلیب هزار داستان و... استعاره از عاشق
- ✓ "کافور و برف" استعاره از گیسوان معشوق
- ✓ پسته، حقه لعل، تنگ شکر ← استعاره از دهان
- ✓ شکر، یاقوت، لعل ← استعاره از لب

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۱۴- مجاز:

آوردن لفظی در غیر معنای حقیقی است که می‌تواند از کل به جزء و یا از جزء به کل و یا از محل به افراد محل و یا از سبب به مسبب و نیز از آلت و ابزار کار به آن چه که از آن انجام می‌شود، دلالت داشته باشد.

- لب و دندان سنایی همه توحید تو گویند (مجاز از کل وجود)
- جهانی ز درد فراق تو آه و ناله می‌کند (مجاز آدم‌های جهان)
- تهمتن گز اند کمان راند زود (مجاز از تیر)
- بکوبمت زین گونه امروز یال (مجاز از گردن)
- گل در بر و می در کف و معشوق به کام است (مجاز از جام)
- پیایی بکش جام و سرگرم باش (مجاز از شراب)

نمونه‌هایی از "کلمات" پر کاربرد آرایه‌ی مجاز:

- عالم، دنیا، جهان، شهر، کشور، دشت، مجلس، خانه، گردون، ایران و ... دلالت بر "مردم و افراد آن محل‌ها" دارد.
- جام، پیاله، قدح، صُراحی، پیمانه، ساغر، رطل، سیو، کوزه، خُم، قرابه و... دلالت بر شراب دارد.
- کلمه‌ی "دست" می‌تواند مجاز از "قدرت و اختیار و توان" باشد. "سر" مجاز از "قصد و اندیشه". "حرف" مجاز از "سخن".
- "گل و چمن" به ترتیب مجاز از "بهار و گلستان". "نگین" مجاز از "انگشتر". "بیت و غزل" مجاز از "شعر". اجزای وجود انسان: "سر، دست، دامن، گوش، رُخ و کف، طره حلق" می‌تواند مجاز از "کل وجود" باشد.
- "خون" مجاز از کشتن: "زبان" مجاز از سخن، "کلک و قلم و خامه" مجاز از سخن و نوشته و شعر. "گز و خدنگ" مجاز از "تیر".
- "خاک" مجاز از "وطن"، "آب و گِل" مجاز از "خلقت انسان". "دم، نفس، لحظه و ساعت" مجاز از "زمان"، "دیروز، امروز و فردا" مجاز از "گذشته، حال و آینده" است.

◀ نمونه‌هایی از ابیات مجاز :

- آمد سویی کعبه سینه پر جوش
- که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را (مجاز از انگشتی)
- سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی (مجاز از قصد و تصمیم)
- من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم (مجاز از انگشتی)
- در موسم خزان چه ثمر حُسن خلق را
- از آن مرد دانا دهان دوخته است
- چون عُقده‌ای به بعض فرو بود حرف عشق
- چو فردا نامه خوانان نامه خوانند
- چون کعبه نهاد حلقه در گـوش
- ایام گل ملایمت از باغبان خوش است
- که بیند شمع از زبان سوخته است
- این عقده تا همیشه سر وا شدن نداشت
- تو را از نامه خوانان ننگت آید

◀ نمونه‌هایی دیگر از مجاز:

- ۱- طاق‌سر بریدنم باشد
- ۲- اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد
- ۳- چو آشامیدم این پیمانه را پاک
- ۴- از تو به که نالم که گر داور نیست
- ۵- هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای
- ۶- دفتر فکرت بشوی، گفته‌ی سعدی بگویی
- ۷- دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد
- ۸- بر آشفست عابد که خاموش باش
- ۹- گرن بندی زین سخن تو حلق را
- ۱۰- دل عالمی بسوزی چو عذار برافروزی
- وز حبیبم سر بریدن نیست
- گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست
- در افتادم ز مستی بر سر خاک
- وز دست توهیج دست بالاتر نیست
- من در میان جمع و دلم جای دگر است
- دامن گوهر بیار بر سر مجلس ببار
- تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
- تو مرد زبان نیستی گوش باش
- آتشی آید بسوزد خلق را
- تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا
- "سر" مجاز از قصد نوع علاقه: محلیه
- دست (اول): مجاز از سر انگشت
- دست (دوم): مجاز از همت
- "پیمانه" مجاز از "شراب"
- "دست" مجاز از "قدرت"
- "دل" مجاز از "توجه و علاقه"
- "مجلس" مجاز از "اهل مجلس"
- "دست" مجاز از "سر انگشت"
- زبان مجاز از سخن گفتن / گوش مجاز از شنیدن
- "حلق" مجاز از "دهان"
- "عالم" مجاز از "مردم عالم"

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۱۵- کنایه:

- در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح؛ کنایه عبارتی است که به دو معنای نزدیک و دور بیاید اما منظور گوینده تنها معنای دور آن باشد.
- آب در هاون کوبیدن، چند مرده حلاج بودن، دم زدن، خوشه چینی کردن، روی پیچیدن، گیاه بام شدن، بخیه روی کار افتادن، پاید در دامن آوردن، چین بر جبین افکندن، سماق مکیدن، دور کسی خط کشیدن، دندان به دندان خاییدن، چشم داشتن، سنگ در دندان آمدن، پشت دو تا کردن، خشت زدن، محیط به کفچه پیمودن، آب در غریال کردن، انگشت گزیدن، زبان در کشیدن، کمر بستن، عنان پیچیدن، سیه روی شدن، مهر بر لب زدن، گوشمال دادن، زمین گیر شدن، زرد روی شدن، دم زدن، خوشه چینی کردن، خون در دل افتادن

◀ نمونه‌هایی از کنایه :

- ۱- نرفتم به محرومی از هیچ کوی / چرا از در خلق شوم زرد روی شدن "کنایه از "بی نصیب ماندن، ترسیدن و شرمندگی"
- ۲- هنوز از دهن بوی شیر آیدش / همی رای شمشیر و تیر آیدش ("بوی شیر از دهن کسی آمدن" کنایه از "کودکی")
- ۳- سرم به دینی و عقیبی فرو نمی آید / تبار کا... از این فتنه ها که در سرماست ("سرم فرو نمی آید" کنایه از "اعتنا نمی کنم" یا "تسلیم نمی شوم")
- ۴- چو بشنید بیچاره بگریست زار / که ای خواجه دستم ز دامن بدار ("دستم از دامن بدار" کنایه از "مرا رها کن")
- ۵- یکی نغز بازی کند روزگار / که بنشاندت پیش آموزگار ("بنشاندت پیش آموزگار" کنایه از "وادار کردن به آموختن")
- ۶- به تیغم گر کشد دستش نگیرم / و گر تیرم زند منت پذیرم ("دستش نگیرم" کنایه از "ممانعت نمی کنم.")
- ۷- هر که دل پیش دلبری دارد / ریش در درست دیگری دارد ("ریش در درست دیگر دارد" کنایه از "وابستگی")
- ۸- دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای / فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد. ("بلغزد پای" کنایه از "اشتباه کردن")

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۱۶-ایهام :

در لغت به معنی "وهم، گمان افکندن" است و در اصطلاح آوردن لفظی به دو یا چند معنا نزدیک و دور که منظور گوینده معنای دور آن باشد هر چند که به معنای نزدیک هم توجه دارد.

- آواز تیشـــه از بیســـتون نیامـــد
- کیست حافظ تا ننوشد باده بی آواز رود
- نگران با من ایستاده سحر / صبح می‌خواهد (۱-مضطرب ۲-در حال نگرستن)
- بین که در طلب حال مردمان چون است. (۱-مردمکان چشم ۲-مردمان)
- در سخن مخفی شدن مانند بو در برگ گل (۱-پنهان ۲-تخلص شاعر)
- امید هست که روی ملال در نکشد
- شام اگر قوت روانم دادی از خون جگر
- میان گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس

از این سخن که گلستان نه جای دلتنگی است (۱-گلستان سعدی ۲-باغ)
صبح یا قوت روان از جام جم دادی مرا (۱-روح ۲-جاری)
زبان آتشینم هست، لیکن در نمی‌گیرد (۱-اثر نمی‌گذارد ۲-روشن نمی‌شود)

◀ نمونه‌هایی از ایهام :

- ۱- خانه زندان است و تنهایی ضلال / هر که چون سعدی گلستانیش نیست (۱-باغ و گلزار ۲-کتاب سعدی)
- ۲- ای دمت عیسی، دم از دوری مزین / من غلام آنکه دوراندیش نیست (۱-آینده‌نگر ۲-کسی که به دوری و فراق می‌اندیشد)
- ۳- نرگس مست نوازشگر مردمداش / خون عاشق به قح گر بخورد نوشش باد (۱-مردمی ۲-دارای مردمک)
- ۴- ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم / ای بی‌خبر ز لذت شراب مدام ما (۱-همیشگی ۲-شراب)
- ۵- چشم چپ خویش برآرم / تا روی نبیدندت بجز راست (راست: ۱-چشم راست ۲-درست و صادقانه-چپ: ۱-احوال ۲-طرف چپ)
- ۶- میان گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس / زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرد. (۱-شعله‌ور نمی‌شود ۲-اثر نمی‌کند)
- ۷- کیست حافظ تا ننوشد باده بی‌آواز رود / عاشقی مسکین چرا چندین تجمل بایدش (۱-رودخانه ۲-اصطلاحی در موسیقی)

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

◀ ۱۷-ایهام تناسب :

این که کلمه‌ای به دو یا چند معنا باشد اما در آن معنایی که مورد نظر گوینده نیست با کلمه و یا کلماتی از همان بیت و مصراع، تناسب و همخوانی داشته باشد.

- یک روز زنگ قرآن که خسرو در شهناز شوری به پا کرده بود
- (شور: ۱-شور و حال ۲-دستگاهی در موسیقی که شهناز گوشه‌ای از آن است.)
- از اسب پیاده شود بر نطع زمین نه رخ
- رخ: ۱-صورت ۲-رخ شطرنج با اسب، پیل شه و مات، ایهام تناسب دارد.
- دری که به باغ بینش ما گشوده‌ای
- مرحبا به بازوان اندیشه و کردار (مرحبا: ۱-آفرین ۲-مرحب) نام فردی است که با بیت تناسب دارد.
- ما هم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است. (ما هم: ۱-استعاره از معشوق ۲- ۱/۱۲ سال که با بیت تناسب دارد.)

◀ نمونه‌هایی از ایهام تناسب :

- ۱- همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش / تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم
- ۱- ضرب: آهنگ که با چنگ نواختن تناسب دارد ۲-ضربه زدن
- ۲- مدام مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت / خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
- ۱- شراب که با مست کردن تناسب دارد ۲-همیشه
- ۳- روی خوب آیتی از لطف بر ما کشف کرد / زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
- ۱- آیه‌ی قرآن که با تفسیر تناسب دارد ۲-نشانه
- ۴- ژهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت / کس ندارد ذوق مستی میگساران را چه شد
- ۱- عود: نوعی ساز موسیقی که با ژهره و ساز تناسب دارد. ۲-نوعی چوب

فهرست برخی از لغات ایهام‌دار

- ۱- بو: (۱) عطر (۲) آرزو: به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم / به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم
- ۲- عهد: (۱) زمان (۲) پیمان: دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر / گفتا علطی خواجه در این عهد وفا نیست
- ۳- هوا: (۱) آن چه تنفس می‌شود (۲) عشق: پنهان نگشت در دل صد چاک راز عشق / این خانه‌ی شکسته هوا را نگه نداشت
- ۴- نگران: (۱) دلواپس (۲) نگاه‌کننده: دلدار که گفتا به توام دل نگران است / گو می‌رسم اکنون به سلامت نگران باش
- ۵- روان: (۱) روح (۲) جاری: نثار خاک رخت نقدجان من هر چند / که نیست نقدروان رابر تو مقدری (۱) روح مثل پول (۲) پول مثل جاری و رایج
- ۶- شیرین: (۱) شکرین (۲) همسر خسرو پرویز: آواز تیشه امشب از بیستون نیامد / شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد.
- ۷- شکر: (۱) شیرینی (۲) یکی دیگر از همسران خسرو پرویز: مرا شکرمنه و گل مریز در مجلس / مسان خسرو و شیرین شکر کجا گنجد
- ۸- بهار: (۱) فصل بهار (۲) بتخانه‌ای در چین (۳) اصطلاح موسیقی در قدیم: بتی دارم که گرد گل زسنبیل سایبان دارد / بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد (فصل و بتخانه) و یا ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر / باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر (اصطلاح موسیقی با خرم که آن هم اصطلاحی در موسیقی است ایهام تناسب دارد).
- ۹- دور: (۱) اطراف (۲) گردش جام شراب (۳) زمانه (۴) تسلسل: چشم بر دور قدح دارم و جان بر کف دست / به سر خواجه که تا آن ندهی نستانی (اطراف و گردش جام شراب) ساقیا در گردش ساغر تعلل تا به چند / دور چون با عاشقان افتد تسلسل بایدش (گردش جام شراب و تسلسل) کس به دور نرگست طرفی نیست از عافیت / به که نفروشدن مستوری به مستان شما (اطراف [چشم] و زمانه. در این مورد دقت کنید «دور نرگس» «دور لب» و دور دیگر از اعضای معشوق این گونه ایهام می‌شود که یک معنی‌اش معنی اطراف است و دیگری آن عضو مجاز از معشوق می‌شود و در این حالت دور می‌تواند معنای زمان بدهد. مثلاً می‌گوییم دور لب؛ لب مجاز از یار می‌شود پس می‌شود زمانه‌ای که یار هست و یا اطراف لب).
- ۱۰- دور از ...: (۱) وقتی از ... دور هستم (۲) دور از جان ...: دور از رخ تو چشم مرا نور نمانده است / وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است
- ۱۱- چین: (۱) کشور چین که مظهر زیبایی بوده (۲) پیچ و تاب: تا دل هرزه گردمن رفت به چین زلف اوزان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند
- ۱۲- ورق: (۱) کاغذ (۲) برگ گل: برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار
- ۱۳- مدام: (۱) شراب (۲) همیشگی: ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم / ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما
- ۱۴- قانون: (۱) قاعده و مقررات (۲) اسم کتاب ابوعلی سینا در علم طب (۳) اسم نوعی ساز است: خدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش / که ساز شرع از این بی قانون نخواهد شد (ایهام تناسب)
- ۱۵- شفا: (۱) صحت (۲) نام کتابی از ابوعلی سینا: دی گفا از سر حسرت چو مرا دید / هیهات که رنج تو ز قانون شفا رفت (ایهام تناسب)
- ۱۶- کیمیای سعادت: (۱) راز خوشبختی (۲) نام کتابی از امام محمد غزالی: بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم صحبت بد جدایی جدایی
- ۱۷- مهر: (۱) محبت (۲) خورشید: تنم از واسطه‌ی دوری دلبر بگداخت / جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت («مهر رخ» همیشه ایهام است: (۱) عشق چهره (۲) رخ مانند خورشید)
- ۱۸- قلب: (۱) دل و فواد (۲) میانه‌ی لشگر (۳) سکه تقلبی: یار دلدار من از قلب بدین سان شکند / ببرد زود به جاندار خود پادشاهش (دل و میانه‌ی لشگر) و یا قلب بی حاصل ما را بزن اکسیر مراد / یعنی از خاک در دوست نشانی به من (سکه تقلبی و دل)
- ۱۹- روزی: (۱) رزق (۲) یک روز: شد حظ عمر حاصل گر زان که با تو ما را / هرگز به عمر روزی، شود وصالی
- ۲۰- دستان: (۱) دستها (۲) حیل و مکر (۳) لقب زال پدر رستم: به عشوه‌ای که سپهرت دهد ز راه مرو / ترا که گفت که این زال، ترک دستان گفت (ایهام تناسب)
- ۲۱- عرصه (تطع)، رخ، شاه: (۱) صفحه شطرنج و مهره‌ها (۲) گستره (پارچه‌ای که زیر پای اعدا می‌گسترند)، صورت، ملک: «تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند / عرصه‌ی شطرنج رندان را مجال شاه نیست» و یا «از اسب پیاده شو بر تطع زمین نه رخ / زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان»
- ۲۲- زبان: (۱) لسان (۲) فتیله‌ی شمع: افشای راز خلوتیان خواست کرد شمع / شکر خدا که سر دلش در زبان گرفت
- ۲۳- ماه: (۱) قمر (۲) سی روز: ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است / حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است (ایهام تناسب)
- ۲۴- لب: (۱) عضو بدن (۲) کنار: می‌شکفتم ز طرب ز آن که چو گل بر لب جوی / بر سرم سایه‌ی آن سرو سهی بالا بود (ایهام تناسب)
- ۲۵- دیدار: (۱) دیدن (۲) چهره: منم که دیده به دیدار دوست کردم باز / چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز

- ۲۶- دیده: (۱) آن چه دیده شده (۲) چشم: از دیده، خون دل همه بر روی ما رود / بر روی ما ز دیده چه گویم چه‌ها رود!
- ۲۷- مردم: (۱) مردمک چشم (۲) آدم: نرگس مست نوازشگر مردم دارش / خون عاشق به قرح گر بخورد نوشش باد
- ۲۸- روی: (۱) چهره (۲) نوعی فلز: آه کز طعنه‌ی بدخواه ندیدم رویت / نیست چون آینه‌ام روز ز آهن چه کنم؟! (ایهام تناسب)
- ۲۹- دورنگی: (۱) دو رویی (۲) دو رنگ بودن: چون شب و چون روز دو رنگی مدار / صورت رومی رخ زنگی مدار
- ۳۰- تاب: (۱) پیچ و تاب (۲) گرما (۳) تب و تاب (۴) عصبانیت: چون دست در سر زلفش زنب به تاب رود / ورا آشتی طلبیم با سر عتاب رود (پیچ و تاب و عصبانیت) و یا «تاب بنفشه می‌دهد طره‌ی مشک سای تو / پرده‌ی غنچه می‌درد خنده‌ی دلگشای تو (زلفت بنفشه‌ی تاب داده است و یا زلفت بنفشه را به تب و تاب می‌افکند)
- ۳۱- آب: (۱) همان آب (۲) آفر: خواب آمد و خواست کآبرویم ببرد / هم دیده که بر روی من آرد آبی
- ۳۲- صبر: (۱) تحمل (۲) گیاه تلخ دارویی: این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزی / اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند (ایهام تناسب)
- ۳۳- لاله: (۱) گل (۲) حباب دور چراغ: هر کو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید / در رهگذار باد نگهبان لاله بود (این را کتاب درسی ایهام گرفته و ما هم بحثی نداریم. اما خداوکیلی تا قبل از زمان قاجار لاله به معنی حباب چراغ اصلاً کاربرد نداشته است!)
- ۳۴- سیاه دل: (۱) بی‌رحم (۲) میانه‌اش سیاه است: دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری / جانب هیچ آشنا نگاه ندارد
- ۳۵- نگاه: (۱) دیدن (۲) حفظ کردن: شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت / چشم دریده ادب نگاه ندارد (ایهام تناسب)
- ۳۶- آهو: (۱) غزال (۲) ایراد: گر می‌گریزم از نظر مردمان رهی / عیبم مکن که آهوی مردم ندیده‌ام
- ۳۷- دارا: (۱) شاه ایرانی، داریوش سوم (۲) دارنده: آیینی سکندر جام می‌است بنگر / تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
- ۳۸- پریشانی: (۱) به هم ریختگی (۲) عاشقی: طره‌ی پریشانش دیدم و به دل گفتم / این همه پریشانی بر سر پریشانی
- ۳۹- پرده: (۱) ستر و حجاب (۲) اصطلاح موسیقی: مغنی از آن پرده نقشی بیار / بگو تا چه گفت از درون پرده‌دار
- ۴۰- راه: (۱) مسیر (۲) نغمه: مطربا پرده بگردان و بزین راه عراق / که بدین راه بشد یار و ز ما یاد نکرد
- ۴۱- حجاز و عراق: (۱) اسم مکان (۲) اصطلاح موسیقی: فکند زمزمه‌ی عشق در عراق و حجاز / نوای بانگ غزل‌های حافظ شیراز
- ۴۲- عشاق: (۱) عاشقان (۲) اصطلاح موسیقی: عالم از ناله‌ی عشاق مبادا خالی / که خوش آهنگ و فرح‌بخش نوایی دارد
- ۴۳- نوا: (۱) ساز و چاره (۲) دستگاه موسیقی: ماییم و نوای بی‌نوایی / بسم‌الله اگر حریف مایی (ایهام تناسب)
- ۴۴- شور: (۱) هیجان (۲) نمکدار (۳) دستگاه موسیقی: شهره‌ی شهر مشو تا نهم سر در کوه / شور شیرین منما تا نکنی فراهام (شور به معنی نمکدار ایهام تناسب دارد با شیرین) و یا گر نای دل نبود و دم آه سرد ما / بازار شوق و گرمی شور و نوا نبود (هیجان و موسیقی)
- ۴۵- شکسته: (۱) خرد شده (۲) گوشه‌ای در موسیقی: بشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق / این ساز شکسته‌اش خوش آهنگ‌تر است (ایهام تناسب)
- ۴۶- چنگ: (۱) دست (۲) نوعی ساز: همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش / تو به هر ضرب که خواهی بزین و بنوازم (ایهام تناسب)
- ۴۷- نواختن: (۱) نوازش کردن (۲) ساز زدن: همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش / تو به هر ضرب که خواهی بزین و بنوازم
- ۴۸- زد: (۱) ضربه زد (۲) ساز زد: همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش / تو به هر ضرب که خواهی بزین و بنوازم
- ۴۹- خطا (ختا): (۱) اشتباه (۲) منطقه‌ای در مغولستان که مشک و زیبارویانش در ادب فارسی مشهورند: آن ترک پری چهره که دوش از بر ما رفت / یا رب چه خطا دید که از راه خطا رفت
- ۵۰- قربان و کیش: (۱) وسایل تیراندازی (۲) قربانی و دین: گفت همره را گرو نه پیش من / و نه قربانی تو اندر کیش من (ایهام تناسب)
- ۵۱- وجه: (۱) صورت (۲) حالت: مگر به روی دل‌آرای یار ما ور نه / به هیچ وجه دگر کار بر نمی‌آید
- ۵۲- میان: (۱) کمر (۲) وسط: چو در میان مراد آورید دست امید / ز عهد صحبت ما در میانه یاد آرید (ایهام تناسب)
- ۵۳- عود: (۱) چوبی که وقتی بسوزانندش بوی خوش دارد (۲) نوعی ساز: زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت / کس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد (ایهام تناسب)
- ۵۴- کنار: (۱) آغوش (۲) ساحل دریا: صد جوی آب بسته‌ام از دیده در کنار / بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت (ایهام تناسب)
- ۵۵- کام: (۱) آرزو (۲) دهان: از حسرت دهانش آمد به تنگ جانم / خود کام تنگ دستان کی زان دهن برآید (ایهام تناسب)
- ۵۶- باب: (۱) رایج (۲) در: گر آه و ناله داری در ملک عشق باب است / بد یمن، شادمانی چون خانه‌ی حباب است (ایهام تناسب)

۵۷- آیت(آیه): ۱(نشانه ۲)آیه قرآن: روی خوبت آیتی از لطف، بر ما کشف کرد / زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما (ایهام تناسب)

۵۸- شام: ۱(شب ۲)کشور شام: دل به زلف یار هم آرام نتوانست کرد / این مسافر منزلی در شام نتوانست کرد

۵۹- عزیز: ۱(دوست داشتنی ۲)مقام مملکتی در مصر: عزیز مصر به رغم برادران غیور / از قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید
اشتباه کردن"

★★★★★★★★★★★★★★★★

← ۱۸- لف و نشر :

آوردن دو یا چند واژه در بخشی از کلام و توضیح همان کلمات در بخش دیگری از کلام؛ که چند کلمه‌ای آغازی را لف و توضیح آنها را نشر می‌گویند.

- به روز نبرد آن یل ارج‌منند
- بُرید و ذرید و شکست و بَست
- گر دهدت روزگار دست و زبان و هوش‌دار
- روی و چشمی دارم اندر مهر او
- از عفو و خشم تو دو نمونه است، روز و شب
- به شمشیر و خنجر به گرز و کمنند
- یلان را سر و سینه و پا و دست
- آن چه بدانی مگوی و آن چه توانی مکن
- کاین گهر می‌ریزد، آن زر می‌زند
- وز مهر و کین دو نمونه است شهد و سم

← نمونه‌هایی از لف و نشر مرتب و مشوش :

- ۱- ای نور چشم مستان در عین انتظارم / چنگی خزین و جامی بنواز یا بگردان (لف و نشر مرتب)
- ۲- آن نه زلف است و بناگوش که روز است و شب است / وان نه بالای صنوبر که درخت رطب است (لف و نشر مشوش)
- ۳- معنی آب زندگی و روضه‌ی ارم / جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست (لف و نشر مشوش)
- ۴- یار من باش که زیب فلک و زینت دهر / از مه روی تو و اشک چو پروین من است (لف و نشر مرتب)
- ۵- چو آینه است و تراز و خموش و گویا یار / زمن رمیده که او خوی گفتگو دارد (لف و نشر مرتب)

★★★★★★★★★★★★★★★★

تست اسلوب معادله

- ۱- در کدام بیت «اسلوب معادله» وجود ندارد؟ (سراسری تجربی ۹۲)
- ۱) از موجۀ سراب شود بیش تشنگی
۲) کامل عیار نیست به میزان دوستی
۳) اشک ندامت است سیه‌کار را فزون
۴) موی سفید ریشۀ طول امل بود
- ۲- در همه ابیات، به استثنای بیت «اسلوب معادله» وجود دارد. (سراسری خارج از کشور ۹۰)
- ۱) گل در این گلشن کجا دارد سر پروای ما
۲) دل گمان دارد که پوشیده است راز عشق را
۳) دخل بی‌جا ندهد غیر خجالت‌اثری
۴) زیور آیینۀ دل روشنی باشد، نه عکس
- ۳- در همه ابیات، به جز بیت «اسلوب معادله» به کار رفته است. (سراسری زبان ۸۹)
- ۱) شراب گردد نبرد از دل ما
۲) دو منزلند دل و دیده، هر دو خانۀ تو
۳) در خزان از عندلیبان بانگ افسوسی نخاست
۴) دیده بستن ز جهان فیض و گشایش دارد
- ۴- در همه ابیات به جز بیت «اسلوب معادله» به کار رفته است. (سراسری هنر ۸۹)
- ۱) ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را
۲) دلی که نیست خراشی در او، زمین‌گیر است
۳) بیش از خواهی به هر پس مانده همراهی گزین
۴) حدّ ما نیست که پیش تو بگوییم سخن
- ۵- در کدام بیت، «اسلوب معادله» وجود ندارد؟ (سراسری زبان ۸۸)
- ۱) فکر شنبه تلخ دارد جمعۀ اطفال را
۲) انتقام هرزه‌گویان را به خاموشی گذار
۳) فزود آتش من آب را خبر ببرید
۴) چو غوره رست ز خامی خویش شد شیرین
- ۶- در کدام بیت «اسلوب معادله» وجود ندارد؟ (سراسری تجربی ۸۷)
- ۱) هر که دل پیش دلبری دارد
۲) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر
۳) نخواهد آتش همسایه هر کس جوهری دارد
۴) اقبال خصم هر چه فزون‌تر شود نکوست
- ۷- در کدام بیت، آرایۀ «اسلوب معادله» به کار نرفته است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۶)
- ۱) رنگین سخنان در سخن خویش نهانند
۲) صائب مجوی کدورت خاطر ز عارفان
۳) سرکشان را فکنند تیغ مکافات از پای
۴) بلبل و گل، همه دم هم‌نفسان‌اند ولی
- پروانه را خنک نشود دل ز ماهتاب
هر کس که هم خمار نگردد به هم شراب
در تیرگی زیاده بود ریزش سحاب
در شوره‌زار بیش بود موجۀ سراب
- خار هم از سرکشی کی می‌رود در پای ما
شمع را فانوس پندارد که پنهان کرده است
تیر کج باعث رسوایی تیرانداز است
خانۀ تاریک را شمعی به از صد صورت است
- چو دانه سوخته باشد چه از سحاب آید
چه حاجت است که من گویمت کجا بنشین
چون ورق برگشت چشم یاری از یاران مدار
چون گدا کور شود، برگ و نوایی بیند
- ز قحط سال، هما بینوا نخواهد شد
زری که سگۀ ندارد روان نمی‌باشد
سربلندی بایدت دیوار کوتاهی گزین
هم تو با ما سخنی گوی که ما گوش کنیم
- عشرت امروز بی اندیشۀ فردا خوش است
تیغ می‌گوید جواب مرغ ناهنگام را
اسیر می‌بردم غم ز کافرم بخرید
چو ماه روزه به پایان رسید عید شود
- ریزش در دسست دیگبری دارد
همیشه آتش سوزنده اشتها دارد
چنار از سینۀ خود می‌کند ایجاد آتش را
فواره چون بلند شود سرنگون شود
- از نکبت خود نیست به هر حال جدا گل
غیر از صفای وقت، در آیینۀ خانه نیست
شعله را زود نشانند به خاکستر خویش
بینوا من که جدا مانده‌ام از دلبر خویش

تست حسن تعلیل

- ۸- در کدام بیت «حسن تعلیل» وجود دارد؟ (سراسری خارج از کشور ۹۱)
- ۱) چون جگر عاشقان می‌خورد این شب به ظلم
۲) جانم اگر صافی است دزدی لطف تو است
۳) بر اثر دل برو تا تو بینی درون
۴) عاقله شب تویی باز رهانش ز ظلم
- ۹- در کدام بیت آرایه «حسن تعلیل» وجود ندارد؟ (سراسری انسانی ۸۸)
- ۱) در وداع شب همانا خون گریست
۲) تا چشم تو ریخت خون عشاق
۳) مرا چو صبح به دست دعا نگهدارید
۴) مرا چو آبله بگذار تا شوم پامال
- ۱۰- در کدام بیت «حسن تعلیل» وجود ندارد؟ (سراسری خارج از کشور ۸۸)
- ۱) عجب نیست از خاک اگر گل شکفت
۲) خورشید فروزنده شبی پرده‌نشین شد
۳) اشک غماز من از سرخ برآمد چه عجب
۴) هر گه به صد کرشمه پری‌وار بگذری
- ۱۱- در کدام بیت «حسن تعلیل و استعاره» به کار رفته است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۷)
- ۱) ز چنگ زهره شنیدم که صیحدم می‌گفت
۲) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی
۳) دامن هر گل مگیر و گرد هر شمعی مگرد
۴) خدای را مددی ای رفیق ره تا من
- ۱۲- در کدام بیت آرایه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۵)
- ۱) پسته دهن بسته زان بُود که ندارد
۲) در نظرم آفتاب سایه‌نشین است
۳) هرگز نبود سرو به بالا که تو داری
۴) بسیار بود سرو روان و گل خندان
- ۱۳- در کدام بیت همه آرایه‌های «استعاره، تشخیص، تشبیه و حس آمیزی» وجود دارد؟ (سراسری تجربی ۹۲)
- ۱) نسیم ناامیدی بد ورق گرداندنی دارد
۲) ندارد بی‌قراری حاصلی غیر از پشیمانی
۳) ز رقص مرغ بسمل این نوا در گوش می‌آید
۴) سزای توسل چون گل گریه تلخ پشیمانی
- ۱۴- در منظومه «... نرسیده به درخت / کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است / و در آن عشق به اندازه پره‌ای صداقت آبی است / می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، / سر به در می‌آرد و تو را ترسی شفاف فرا می‌گیرد...» به ترتیب چند حس آمیزی و چند تشبیه وجود دارد؟ (سراسری انسانی ۹۱)

۴ سه - دو

۳ سه - یک

۲ دو - دو

۱ دو - یک

- ۱۵- در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» به کار نرفته است؟ (سراسری انسانی ۸۷)
- (۱) با من به سلام خُشک، ای دوست زبان، تر کن
(۲) ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم لیک
(۳) تا تو را آن بو کشد سوی جنان
(۴) آن بلبل که چون کشم از دل صفیر گرم
- ۱۶- در هم بیت‌های زیر، به غیر از بیت آرایه «حس آمیزی» وجود دارد؟ (سراسری خارج از کشور ۸۶)
- (۱) از این شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم
(۲) به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های رنگین
(۳) بوی دهن تو از چمن می‌شنوم
(۴) منگر بدین ضفیف تنم ز آن که در سخن
- ۱۷- در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» مشهود نیست؟ (سراسری تجربی ۸۵)
- (۱) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
(۲) صد میکده خون بیش کشیده است لب من
(۳) بی چشمه نوشی نشود ناله گلو سوز
(۴) تشنه دیدار ساقی رونق مستی شکست
- ۱۸- در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» به کار رفته است؟ (سراسری زبان ۸۵)
- (۱) یا برو همچون زنان رنگی و بویی پیش گیر
(۲) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد
(۳) برگ بی‌برگی نداری، لاف درویشی نزن
(۴) چرخ گردون این رسن را می‌رساند تا به چاه
- ۱۹- در هر بیت، به جز بیت «حس آمیزی» مشهود است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۵)
- (۱) به من نوبت نداد آن چشم پُر حرف
(۲) آن بلبل که چون کشم از دل صفیر گرم
(۳) گویا ز شش چهرت در آید بسته‌اند
(۴) به زبان چرب ای جان بنواز جان ما را
- ۲۰- در همه ابیات به جز بیت آرایه «حس آمیزی» به کار رفته است؟ (سراسری هنر ۸۵)
- (۱) آخر این ناله سوزنده اثرها دارد
(۲) زان لب که مژده نفسش آب زندگی است
(۳) ز اضطراب دل و لکنیت زبان پیداست
(۴) رنگین سخنان در سخن خویش نهانند
- ۲۱- در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» مشهود نیست؟ (سراسری تجربی ۸۴)
- (۱) تلخ منشین شراب اگَر داری
(۲) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
(۳) رخ شاه کاووس پرشرم دید
(۴) ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم لیک
- ۲۲- در همه ابیات به جز بیت آرایه «حس آمیزی» مشهود است؟ (سراسری هنر ۸۴)
- (۱) به زبان چرب ای جان بنواز جان ما را
(۲) گر مکرر سخن تلخ بگوید معشوق
(۳) دل در طلب خنده شیرین تو خون شد
(۴) ز طبع خسته من عذر خامشی می‌ذیر
- تا از مژه هر ساعت لعل تَرَت افشانم
تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است
بوی گل باشد دلیل گلسستان
بوی محبت از نفسم می‌توان شنید
- که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد
بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را
رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم
زین چرخ پُرسواره فزون است اثر مرا
- کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
تا کار به رنگینی گفتار کشیده است
شیرین سخنی نی ز لب یار کشیده است
هیچ کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید
- یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن
درد باید پرده‌سوز و مرد باید گام‌زن
رخ چو عیاران نداری، جان چو نامردان مکن
گر همی صحرات باید، چنگ درزن دررسن
- پس از عمری که راه حرف واشد
بوی محبت از نفسم می‌توان شنید
کز هیچ لب به گوش نوایی نمی‌رسد
به سلام خشک خوش کن دل ناتوان ما را
- شب تاریک فروزنده سحرها دارد
دشنام تلخ هم به دعاگو نمی‌رسد
که شمع هم دم مردن وصیتی دارد
از نکبت خود نیست به هر حال جدا گل
- سور کم کن کباب اگَر داری
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
سخن گفتنش با پسر نرم دید
تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است
- به سلام خشک خوش کن دل ناتوان ما را
عشق آن نیست که این نکته مسلم دارد
جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد
سخن گره نگشاید چو طبع بسته بود

۲۳- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ آرایهٔ «حس آمیزی» به کار رفته است؟ (سراسری زبان ۸۱)

- (۱) بوی دهن تو از چمن می‌شنوم
(۲) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های رنگین
(۳) هیچ جوینده ندانست که جای تو کجاست
(۴) شیرین‌تر از آنی که به شکر خنده که گویند

۲۴- حافظ در بیت: «از این شعر تر شیرین ز شاهنشه عجب دارم / که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد»، چند حس را

در یک ترکیب به هم آمیخته است؟ (سراسری انسانی ۸۱)

پنج (۴)

چهار (۳)

سه (۲)

دو (۱)

تست تضاد

۲۵- در کدام بیت بیشترین آرایهٔ تضاد وجود دارد؟ (سراسری ریاضی ۹۱)

- (۱) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
(۲) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم
(۳) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل
(۴) گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست

۲۶- نوعی تضاد در همهٔ بیت‌ها به جز بیت دیده می‌شود. (المپیاد ادبی)

- (۱) چو عمر رفته تو کس را به هیچ کار نیایی
(۲) روزم به غم فروشد لابل که عمر نیز
(۳) دیر خبر یافتی که یار تو گم شد
(۴) گفתי جفا نه کار من است ای سلیم دل

تست تناقض

۲۷- در همهٔ ابیات زیر، متناقض‌نما (پارادوکس) وجود دارد، به جز (سراسری خارج از کشور ۹۵)

- (۱) ز بندگی شما صد هزارم آزادی است
(۲) به روز افغانی و شب یا ربی داشت
(۳) خامشی از کرده‌های بد به فریادم رسید
(۴) دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است

۲۸- در کدام گزینه آرایهٔ متناقض‌نما (=پارادوکس) به کار رفته است؟ (سراسری ریاضی ۸۹)

- (۱) دلم امروز چو کاه از نفسی می‌لرز
(۲) گر چو شبنم نفسی هم نفس گل بودم
(۳) یافت باشکوه ره زندگی من پایان
(۴) حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مرا

۲۹- در همهٔ ابیات به استثنای بیت آرایهٔ «متناقض‌نما» به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۸۹)

- (۱) من پرستار دو چشم خوش بیمار توام
(۲) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
(۳) ختم پایانی، مهر آغاز کن
(۴) من عهد تو سخت سست می‌دانستم

۳۰- در همه ابیات، به جز بیت آرایه «متناقض‌نما» مشهود است. (سراسری هنر ۸۹)

که بنده تو ز بند کدورت آزاد است
که خار دشت محبت گل است و ریحان است
که دوستی و ارادت هزار چندان است
که هرگز نتوان گفت این چه بیداد است

..... (سراسری ریاضی ۸۷)

تا کی آهسته و نهان گفتم
با دولت و صالت خوش بود روزگاری
هر که را بودست آه سرد می‌داند که چیست
ور نه هر مو بر تن ایام دشمن، دشمن است

..... (سراسری هنر ۸۷)

تا ز مجموعه آن زلف پریشان شده‌ایم
کاشفگی از زلف پریشان تو دارد
تمکین بی‌قراریم و بی‌قرار هیچ
ولی چون بحر در بر کرده در جوش

..... (سراسری انسانی ۸۶)

درد کز وی رسدم، مایه درمان من است
زنده بی‌جان نتوان بودن و او جان من است
دل دیوانه و شمشیر چون نه به فرمان من است
به چه معلوم توان کرد که او را دهن است

..... (سراسری ریاضی ۸۶)

سر ملوک جهان جمله بر زمین من است
که از مشاهده‌اش مجمعی پریشان است
دل من است که هم جمع و هم پریشان است

..... (سراسری خارج از کشور ۸۵)

که در کمین من آن چشم نامسلمان است
که این معامله بیرون ز کفر و ایمان است
هنوز صورت او زیر پرده پنهان است
دل من است که هم جمع و هم پریشان است

..... (المپیاد ادبی)

از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی
اگر می‌دیدی معراج ز پا افتادن ما را
فقیران منعم، گدایان شاه
کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

(۱) به هر غمی که رسد از تو خاطرم شاد است
(۲) سفر دارز نباشد به پای طالب دوست
(۳) هزار سختی اگر بر من آید آسان است
(۴) فغان که داد ز دست ستمگری است مرا

۳۱- در کدام بیت آرایه «متناقض‌نما» وجود دارد؟

(۱) دوست می‌دارم به بانگ بلند
(۲) ما را ز هم جدا کرد ایام و نه ما را
(۳) آتش سردی که بگدازد درون سنگ را
(۴) ما و دشمن دوستی، این رسم، رسم تازه‌ای است

۳۲- در کدام بیت تناقض وجود ندارد؟

(۱) همه اسباب پریشانی ما جمع آمد
(۲) جمعیت خاطر ندهد دست، کسی را
(۳) گویای سکوت و بی‌تابی درنگ
(۴) گروهی سر به سر گویای خاموش

۳۳- در کدام بیت آرایه «متناقض‌نما» به کار رفته است؟

(۱) کشته عشق وی از زنده جاوید به است
(۲) مردم از فرقت جانان و عجب نیست از آنک
(۳) پای‌بند سر زلفین چو ینجیر تو شد
(۴) گر شکرخنده آن پسته شیرین نبود

۳۴- در کدام ابیات، آرایه «متناقض‌نما» به کار رفته است؟

الف) از آن زمان که زمین بوس آستان توام
ب) میان جمع، پریشان شاهدهی شده‌ام
ج) به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش

۳۵- در کدام بیت آرایه متناقض‌نما (=پارادوکس) وجود دارد؟

(۱) بگو چگونه کنم دعوی مسلمانان؟
(۲) به عشق زلف و رخت، فارغم ز دیر و حرم
(۳) مهی که راز من از پرده آشکارا کرد
(۴) به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش

۳۶- در کدام گزینه «تناقض» بیشتری وجود دارد؟

(۱) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
(۲) فلک در خاک می‌غلتید از شرم سرافرازی
(۳) چننین نقل دارم ز مردان راه
(۴) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار

تست سجع

۳۷- در عبارت زیر، واژه‌های کدام گزینه، طرفین سجع نیستند؟ (سراسری ریاضی ۹۵)

«در همان بحبوحه بخور بخور که منظره فنا و زوال غاز خدا بیمارز، مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون و شقاوت مردم دون و مکر و فریب جهان پتیاره و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود باز صدای تلفن بلند شد. بیرون جستم و فوراً برگشتم.»

(۱) جستم، برگشتم (۲) پتیاره، بدقواره (۳) بوقلمون، دون (۴) فنا، خدا

۳۸- با توجه به عبارت «فی الجملة زبان از مکالمه او در کشیدن قوت نداشتیم و روی از محادثه او گردانیدن، مروت نداشتیم

که یار موافق بود و ارادت صادق». در کدام گزینه همه کلمه‌های سجع درست مشخص شده است؟ (سراسری ۸۲)

(۱) نداشتیم و نداشتیم / موافق و صادق

(۲) مکالمه و محادثه / قوت و مروت

(۳) در کشیدن و گردانیدن / موافق و صادق

(۴) مکالمه و محادثه / کشیدن و گردانیدن

۳۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه، آرایه سجع مشهود است؟ (سراسری ریاضی ۸۱)

(۱) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل، در خشک نمیرد.

(۲) نصیحت پادشاهان کردن، کسی را مسلم بود که بیم ندارد یا امید زر.

(۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.

(۴) ارادت بی‌چون، یکی را از تخت شاهی فروآرد و دیگری را در شکم ماهی، نکو دارد.

۴۰- در همه گزینه‌ها، به جز گزینه، سجع به کار رفته است؟ (سراسری ریاضی ۷۵)

(۱) از اندوه بیرون نیایی که آماج تیر بلایید.

(۲) با آنان بستیزید که رستگاریتان در آن است.

(۳) چه جای ملامت است که در دیده من شایسته کرامت است.

(۴) جرعه اندوه به کامم می‌ریزد و کار به هم در می‌آمیزد.

تست جناس

۴۱- در کدام بیت، جناس تام به کار نرفته است؟ (سراسری انسانی ۹۰)

وین نصیحت مکن که بگذارش

نینداخت جز حرص خوردن به دام

عاجز بماند در تو زبان فصاحتش

داشتیم آرام تا آرام جانی داشتیم

۴۲- در کدام بیت، جناس تام وجود ندارد؟ (سراسری اختصاصی انسانی ۸۸)

در زیر یکی توده رو «کم ترکوا» برخوان

تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم

بگیر چنگ به چنگ اندر و غزل سرای

حرفی است هر آتشی ز طومارم

۴۳- در کدام بیت، آرایه جناس تام وجود ندارد؟ (سراسری ریاضی ۸۸)

هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن

تنگ شکر در دهن تنگ داشت

مستی آهو برش آهو شده

عطار به یک جو نخرد نافه چین را

۴۴- در همه ابیات، جز بیت «جناس تام» به کار رفته است. (سراسری زبان ۸۶)

که چندین گل‌اندام در خاک خفت

مستی آهو برش آهو شده

همی رو که از قید هستی رهی

برنبد گر بترسد از خطر بازارگان

(۱) نیک‌خواها در آتشم بگذار

(۲) مگر می‌بینی که دد را و دام

(۳) سعدی که داد وصف همه نیکوان بداد

(۴) درد بی‌عشقی ز جانم برده طاقت، و نه من

(۱) منگر که شه و میری، بنگر که همی میری

(۲) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم

(۳) آیا غزال سرای و غزل‌سرای بدیع

(۴) طومار ندامت است طبع من

(۱) مشو دل‌بسته هستی که دوران

(۲) گر چه سر عربده و جنگ داشت

(۳) نرگس افسونگرش آهو شده

(۴) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید

(۱) عجب نیست از خاک اگر گل شکفت

(۲) نرگس افسونگرش آهو شده

(۳) طریقی فرا پیش گیر و رهی

(۴) از خطر خیزد خطر، زیرا که سود ده چهل

۴۵- در همه ابیات، به جز بیت جناس تام دیده می‌شود. (سراسری خارج از کشور ۸۵)

به گرد لطف تو کی می‌رسد؟ فدای تو باد
که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد
که حق هر آن چه جمال است و حسن، بر تو نهاد
تو آن مبین که چو بلبل نمی‌کنم فریاد

۴۶- در کدام بیت «جناس تام» به کار رفته است؟ (سراسری تجربی ۸۴)

داد که تا خاکیان رهند ز بیداد
باری چو باری می‌کشم بر دوش هم بار شما
در معرضی که تخت سلیمان رود به باد
گر ندهی داد، داد از تو کند داد

۴۷- در کدام بیت «جناس تام» هست؟ (سراسری تجربی ۸۳)

یا مهر خویشتن از دل ما به در بری
آن جا که باد زهره ندارد خبر بری
پیغام دوستان برسانی بدان پری
ای غایب از نظر که به معنی برابری!

۴۸- در کدام بیت، «جناس تام» به کار رفته است؟ (سراسری هنر ۸۱)

گر نکنند التفات یا نکنند احترام
خوابگاه نیست مگر خاک سر کوی توام
تُرک من پرده برانداز که هندوی توام
نه گوش فهم بماند، نه هوش استفهام

۴۹- در همه ابیات زیر به جز بیت، آرایه لفظی «جناس تام» موجود است. (سراسری انسانی ۷۸)

چشم انعام مدارید ز انعامی چند
از تن برود، سخن روان است
چون من در آن دیار هزاران غریب هست
پستی گرفت همت من زین بلند جای

۵۰- در کدام گزینه، همه آرایه‌های «استعاره، مراعات‌النظیر، تضاد و جناس» به کار رفته است؟ (سراسری زبان ۸۹)

ز انتهای شبان شمسوار می‌آید
خروش اوست که از آشکار می‌آید
به پای‌بوسی او روزگار می‌آید
قرار هستی ما بی‌قرار می‌آید

۵۱- در همه ابیات به جز بیت نوعی جناس به کار رفته است. (سراسری زبان ۸۵)

که مرا مادر من نادان زاد
حیف استاد به من یاد نداد
یاد باد آنچه به من گفت استاد
که به تعلیم من استاد، استاد

۵۲- در همه بیت‌ها به جز بیت نوعی «جناس» وجود دارد. (سراسری زبان ۸۴)

دوستان را جز به دیدار تو هیچ آهنگ نیست
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
به همین دیده سر دیدن اقوام نیست
آفرین گویی بر آن حضرت که ما را بار نیست

(۱) اگرچه باد صبا روح‌پرور است به لطف
(۲) بیا و برگ سفر ساز و زار ره برگیر
(۳) بیا بیابان رضوان غلام حور نهاد
(۴) به گلستان رخت بللی چو من نبود

(۱) دادگر آسمان که داد بشهر داد
(۲) باریست سر بر دوش من خواهم فکندن بار، من
(۳) بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ
(۴) داد تو را داد تا که داد دهی تو

(۱) یا دل به ما دهی چو دل ما به دست تست
(۲) ای برق! اگر به گوشه آن بام بگذری
(۳) ای مرغ! اگر پری به سر کوی آن صنم
(۴) بازای کز صبری و دوری بسوختیم

(۱) بار غمت می‌کشم وز همه عالم خوشم
(۲) روزگاریست که سودازده روی توام
(۳) سعدی از پرده عشاق چه خوش می‌گوید
(۴) مرا که با تو سخن گویم و سخن شنوم

(۱) ای گدایان خرابات، خدا یار شماست
(۲) خرم تن او که چون روانش
(۳) گر آمدم به کوی تو چندان غریب نیست
(۴) نالم ز دل چو نای من اندر حصار نای

(۱) کلید صبح به دست و سرود عشق به لب
(۲) صدای اوست به حلقوم باد می‌شنوید
(۳) جهان برای تماشا به پای می‌خیزد
(۴) به سوگواری گل‌ها به غمگساری عشق

(۱) هیچ یادم نرود این معنی
(۲) قدردان استاد، نکو دانستن
(۳) گفت استاد مبرر درس از یاد
(۴) پس مرا مت از استاد بود

(۱) گر تو را آهنگ وصل ما نباشد، گو مباش
(۲) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
(۳) چشم از آن روز که بر کردم و رویت دیدم
(۴) ای نسیم صبح! اگر باز اتفاقی افتد

۵۳- در کدام بیت، هر دو نوع «جناس تام و ناقص» به کار رفته است؟ (سراسری زبان ۸۲)

- (۱) بارها بار به دربار تو دارند رقیبان
(۲) شادباش، ای موسی عمران به چابک معجزه
(۳) بر دل مومن و جام مومن
(۴) خود را درم خرید رضای خدای کن

۵۴- شاعر در کدام گزینه برای بیان منظور خود از آرایه «جناس» استفاده کرده است؟ (سراسری تجربی ۸۱)

- (۱) کدامین پیک را دادی پیامی
(۲) کدامین جامه بر یادم دریدی
(۳) کدامین ساعت از من یاد کردی
(۴) عنایت گرچه زهر تاب دارد

۵۵- در همه گزینه‌ها به جز گزینه آرایه «جناس» وجود دارد. (سراسری تجربی ۸۰)

- (۱) بر این گونه رفتند هر دو به رزم
(۲) ببردند و پوشید روشن برش
(۳) چو شد روز، رستم بیوشید گبر
(۴) کمندی به فتراک زین بر بست

تست واج‌آرایی

۵۶- شاعر در کدام بیت از آرایه «واج‌آرایی» بهره بیشتری برده است؟ (سراسری هنر ۹۳)

- (۱) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
(۲) آن ابر در ز بار ز دریا که برآید
(۳) رسم عاشق‌کشی و شیوه شهر آشوبی
(۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

۵۷- در کدام گزینه «واج‌آرایی» محسوس‌تر از دیگر گزینه‌هاست؟ (سراسری انسانی ۷۷)

- (۱) با تمام دل / تمام چهارده سالگی‌اش را در کفن پیچیدم
(۲) در کوچه قدیمی دوآبه / عطر آسمانی شهادت موج می‌خورد
(۳) مظلوم کوچک من / با نان بیات شبانه / چاشت می‌کرد
(۴) نماز خونین حماسه چهارده‌ساله مرا / وسعت وسیع کدام سجاده گسترده شد

تست تلمیح

۵۸- در کدام بیت آرایه تلمیح وجود ندارد؟ (سراسری هنر ۸۳)

- (۱) آسمان بار امانت نتوانست کشید
(۲) اگرچه تلخ باشد فرق‌ت یار
(۳) خورده‌ست خدا ز روی تعظیم
(۴) به تمنای تو در آتش محنت چو خلیل

۵۹- در کدام بیت گزینه تلمیح وجود ندارد؟ (المپیاد ادبی)

- (۱) شعر هم می‌گفت زیاد هم می‌گفت اما خشت می‌زد
(۲) مشغول تماشا و ورناداز کردن این مخلوق کمیاب و شیء عجب بودم.
(۳) خجسته باد نام خداوند، نیکوترین آفریدگار که تو را آفرید
(۴) عیسی گفت: ای رفیق، موافق کل‌اناء یترشح بما فیه، از کوزه همان برون تراود که در اوست.

۶۰- در کدام گزینه تلمیح، یادآور ماجرای نیست؟ (المپیاد ادبی)

ماه چنان بخت یافت او که کمیته گداست.
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی
ز گهواره تا گور دانشش بجوی

(۱) از مه او مه شکافت دیدن او برنتافت
(۲) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن
(۳) تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تازان پس
(۴) چنین گفت پیغمبر راسـتگوی

تست اغراق

۶۱- در کدام بیت، هر سه آرایه «تشخیص، اغراق و تشبیه» به کار رفته است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۶)

کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
اگر بشنود نـام افراسـیاب
ز شادی بر سر آب آمدی سنگ
یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست

(۱) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
(۲) شود کوه آهن چو دریای آب
(۳) چو رامین که گهی بنواختی چنگ
(۴) مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست

۶۲- در کدام بیت «اغراق» به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۸۶)

ز ملکـت پراکنـدگی دور بـاد
از نـازکی آزار رساند بـدش را
که مـن مسـتی و مسـتوری نـدانم
در ظاهر اگر مالک دیناری نبودیم

(۱) دل و کشورت جمع و معمور باد
(۲) گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را
(۳) بگویم تا بدانند دشمن و دوست
(۴) صائب! مدد خلق نمودیم به همت

۶۳- شاعر در کدام بیت، آرایه «اغراق» به کار برده است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۵)

شد گرگ و روبه را مکان، شد گور و کرکس را وطن
اطلال را جیحون کنم، از آب چشم خویشتن
تا یک زمان زاری کنم بر ربع اطلال و دمن
سنگ است بر جای گهر، خار است برجای سَمَن

(۱) آن جا که بود آن دلستان، با دوستان در بوستان
(۲) ربع از دلم پُرخون کنم، خاک دمن گلگون کنم
(۳) ای ساریان منزل مکن جز در دیار یار من
(۴) ابر است بر جای قمر، زهر است بر جای شکر

۶۴- در کدام عبارت، آرایه «اغراق» وجود دارد؟

(۲) همی گرد رزم اندر آمد به ابر
(۴) برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس

(۱) پیامد که جوید ز ایران نبرد
(۳) همی بر خروشید برسان کوس

تست تضمین

۶۵- آرایه‌های «ایهام، نغمه خروف، تشبیه، تضمین» همگی در کدام بیت یافت می‌شود؟ (سراسری تجربی ۹۳)

که کوه عشق به ناخن توان تراشیدن
به سان شمع شبستان خوش است لرزیدن
تویی چو چشمه خورشید در درخشیدن
منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

(۱) تو شور کوه کن آور نه قصه شیرین
(۲) به بوی زلف تو در پیشگاه باد سحر
(۳) به زیر زلف پرندین بامداد وصال
(۴) به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ

۶۶- چنان چه ابیات زیر را بخوایم به لحاظ دارا بودن یکی از آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام تناسب، لف و نشر، تضمین»

مرتّب نماییم، کدام ترتیب درست است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۸)

ز روی و موی نمود آن نگار شیرین لب
مخموریات مباد که خوش مست می‌روی
هست کلید در گنج حکیم
زان است که هر کس دهنش پاره کند

(۱) بیاض غمزه روز و طره شب
(۲) چشمت به غمزه، خانه مردم خراب کرد
(۳) بسـم الله الرحمن الرحیم
(۴) پیش دهنـت پسته ز تنگی زده لاف

(۲) ب - د - ج - الف

(۱) ب - د - الف - ج

(۴) د - ب - الف - ج

(۳) د - ب - ج - الف

۶۷- شهریار، در شعر «همای رحمت» کدام بیت را عیناً از شعر حافظ نقل کرده است؟ (سراسری ریاضی ۸۰)

چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل صبا را
که لسان غیب، خوش‌تر بنوازد این‌نوا را
غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا
به پیام آشنایایی بنوازد آشنا را

(۱) به امید آن که شاید برسد به خاک پایت
(۲) چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم
(۳) ز نوای مرغ یاحق بشنو که در دل شب
(۴) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

۶۸- کدام پاسخ تعریف زیر را کامل می‌کند؟ (سراسری ریاضی و تجربی ۶۳)

(۲) تخلص شاعری در ضمن شعر
(۴) نام شاعری در ضمن شعر

«تضمین در اصطلاح ادب، یعنی: آوردن»

(۱) بیت یا مصرعی از شاعری در ضمن شعر
(۳) فکر و اندیشه شاعری در ضمن شعر

تست تشبیه

۶۹- در منظومه زیر چند تشبیه وجود دارد؟ (سراسری تجربی ۹۴)

«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کنم بیرون / مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون / کجا شهد است این اشکی که در هر دانه لفظ است / مرا این، کاسه خون است، / چنین آسان منوشیدش.»

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۷۰- در کدام بیت، وجه شبه، محذوف است؟ (سراسری زبان ۹۴)

ز شرم چهره چون آفتابست اندر صبح
تا به کویش چون نسیم افتان و خیزان بوده‌ام
نه ساز رفتن است آنجا مرا نه برگ نارفتن
گرد خود گردی از آن تردامنی چون آسیا

(۱) ستازه خون شود از چشم آسمان بچکد
(۲) ناتوان بودم به پویش نیم شب برخاستم
(۳) مقام کعبه وصل تو دور افتاده است از ما
(۴) آتشین داری زبان زان دل سیاهی چون چراغ

۷۱- تعداد «تشبیه» در کدام بیت بیشتر است؟ (سراسری خارج از کشور ۹۳)

دل که در گردنش از زلف تو مشکین رسن است؟
خانه من چون صدف معمور از این باران شده
چشمه چشمم پر از گوهر شود دریا صفت
سیرچشمی خاتم دست سلیمان من است

(۱) هم‌چو سایه پی خورشید رخت چون نرود
(۲) گشتم از اشک ندامت مخزن گنج گهر
(۳) هر سحر بی‌شام زلفین تو ای حوراصفت
(۴) در شکرزار قناعت برده‌ام چون مور راه

۷۲- آرایه تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟ (سراسری ریاضی ۹۳)

هر روز که بی‌ساقی گل چهره نشستیم
تا بر دل کسی ننشیند غبار من
ماهی است عارض تو از نور آفریده
طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس

(۱) صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست
(۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده
(۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده
(۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید

۷۳- «مشبه» در کدام گزینه، ذکر نشده است؟ (سراسری تجربی ۹۳)

(۱) قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم
(۲) چوب دستی منتشا مانند در دستش
(۳) گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش
(۴) چاه چنان ژرفی و پهنایش، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور.

۷۴- در کدام بیت، آرایه «تشبیه» بیشتر است؟ (سراسری خارج از کشور ۹۱)

دل اگر تیره نباشد همه دنیا است بهشت
از درد چون شود به فغان آشنا لیم (جَرس=زنگ)
آماده شکستن خود چون حباب باش
رازهای سینه را خاشاک طوفان کرده است

(۱) از درون تو بود تیره جهان چون دوزخ
(۲) تبخال‌ها به ناله در آیند چون جَرس
(۳) گر هست در دماغ، تو را باد نخوتی
(۴) دجله اشک از بهار شوق طغیان کرده است

۷۵- در کدام گزینه همه ترکیب‌ها «اضافه تشبیهی» است؟ (سراسری ریاضی ۸۹)

- (۱) گوشه کلاه - روی ماه - روی تعظیم - قبه عرش
- (۲) آبروی بندگان - جمال عشق - اوج بلاغت - تقصیر خویش
- (۳) دروگر زمان - عصا تاك - شهر فایق - موسم ربیع
- (۴) بنات نبات - بحر مکاشفت - مهد زمین - تیر مژگان

۷۶- کدام مجموعه از ترکیب‌ها «اشافه تشبیهی» است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۹)

- (۱) مزید نعمت - شرط انصاف - مرغ سحر - کلاه شکوفه
- (۲) جیب مراقبت - امید اجابت - دیوار امت - قصه عشق
- (۳) پرده ناموس - کلاه شکوفه - سرور کاینات - درگاه خدا
- (۴) دریای معرفت - شب چهل - شکوفه اشک - آتش عشق

۷۷- در کدام گزینه، هر دو کلمه قافیه، وجه شبه محسوب می‌شوند؟ (سراسری انسانی ۸۰)

- (۱) ای دفتر حسن تو را فهرست خط و خال‌ها
 - (۲) رخ گل را که عکس روی یار است
 - (۳) روی تو چون نوبهار جلوه‌گری می‌کند
 - (۴) روزی که در جام شفق مل کرد خورشید
- تفصیل‌ها پنهان شده در پرده اجمال‌ها
هوا مشاطه آب آینه‌دار است
زلف تو چون روزگار پرده‌ری می‌کند
بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید

تست استعاره مکنیه

۷۸- در منظومه زیر چند تشخیص وجود دارد؟ (سراسری خارج از کشور ۹۴)

- «من صدای قدم خواهش را می‌شنوم / و صدای پای قانونی خون را در رگ، / تپش قلب شب آدینه، / شیهه پاک حقیقت از دور، / و صدای کفش ایمان در کوچه شوق، / و صدای باران روی پلک تر عشق، / روی موسیقی غمناک بلوغ»
- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۷۹- در کدام گزینه، همه ترکیب‌ها، اضافه استعاری‌اند؟ (سراسری تجربی ۸۹)

- (۱) لب استخر، گل همیشه بهار، سایش بال، عطر الهام
- (۲) دست مهربان مرگ، درخت عزیز، گل خیال، غرقه بلند آسمان
- (۳) سینه کویر، آغوش خوش‌بختی، سقف شب، دست طبیعت
- (۴) پرده خیال، چشمه موج نوازش، سایه پرواز، زبان گویای خدا

۸۰- در کدام گزینه همه ترکیب‌ها، «اضافه استعاری» است؟ (سراسری هنر ۸۹)

- (۱) خصلت طمع - گردن استکبار - بیابان ضلالت - قالب قصیده
- (۲) جام عافیت - پای تعدی - قدر نعمت - تیه گمراهی
- (۳) حمله حسد - پرده عفاف - لجاج شهوت - حوزه عاطفی
- (۴) فریاد هستی - دامن خاک - روح کلام - صولت خشم

۸۱- در کدام گزینه، همه ترکیب‌ها، اضافه استعاری‌اند؟ (سراسری انسانی ۸۹)

- (۱) عتاب معلم، مرغان بیشه، صفحه ضمیر، امید دیدار
- (۲) سر خویش، لطافت طبع، زبان تدریس، فرقت یار
- (۳) آفتاب وفا، همه شاگردان، بانگ طرب، خار غم
- (۴) شتاب مرگ، طره پرچین عشق، قفای مراقبت، گریبان مکاشفت

۸۲- در کدام عبارت، آرایه «جان بخشی» دو بار به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۸۳)

- (۱) اشک‌ها به روی گونه‌ها می‌لغزید و بر پیشانی خاک بوسه می‌نهاد.
- (۲) اشک‌ها به روی گونه‌ها می‌لغزید و بر پیشانی خاک بوسه می‌نهاد.
- (۳) در عمق وجدان خویش، به پایمردی خیال، از صحراهای سیاه قرون تهی می‌گذریم.
- (۴) نوروز، روزگاری در کنار مغان، اوراد مهرپرستان را خطاب به خویش می‌شنیده است.

۸۳- در عبارت زیر چند استعاره و چند تشبیه دیده می‌شود؟ (المپیاد ادبی)

«فرش باد صبا را گفته تا فرش زُردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

(۱) تشبیه و ۳ استعاره

(۲) تشبیه و ۴ استعاره

(۳) تشبیه و ۲ استعاره

(۴) تشبیه و ۳ استعاره

تست مجاز

۸۴- در کدام بیت، بیش از دیگر ابیات از «مجاز به علاقه شباهت» استفاده شده است؟ (سراسری انسانی ۸۵)

(۱) نشاید چو بلبلی تماشای باغ
بنفریید با نرگس و گل پُر آب
تنها به قفس ماند هزاران همه رفتند
فشانند از نرگسان لؤلؤی لالا

(۱) مرا برف باریده بر پرّ داغ
(۲) به آواز بر جان افراشیاب
(۳) یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران
(۴) چو تنها ماند ماه سربو بالا

۸۵- در کدام گزینه آرایه «مجاز» هست؟ (سراسری زبان ۸۴)

(۱) همچون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام
(۲) نالم به دل چو نای من اندر حصار نای

(۱) از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام
(۲) در سینه‌ام هزار خراسان نهفته است

۸۶- کدام واژه در ابیات زیر تناسب با آرایه «مجاز» به کار رفته است؟ (سراسری هنر ۸۰)

(۱) کمان و بر مرد پرخاشخ
کزین پس نبیند تو را زنده زال

(۱) فراموش کردی تو سگری مگر
بکوبمت زین گونه امروز یال
(۲) زال
(۳) سگری
(۴) یال

۸۷- واژه «دشت» در همه ابیات زیر، به جز بیت، دارای آرایه «مجاز» است. (سراسری هنر ۷۸)

(۱) که تا او کی آید ز آتش برون
جهانی نظاره شده همگروه
همه دشت، پیشش درم ریختند
بر آن چه خندانش گریان شدند

(۱) یکی دشت با دیدگان پر ز خون
(۲) نهادند بر دشت هیزم دو کوه
(۳) سواران لشکر، برانگیختند
(۴) سراسر همه دشت بریان شدند

۸۸- با توجه به عبارت زیر کدام کلمه، به عنوان «مجاز» به کار رفته است؟ (سراسری هنر ۷۷)

«تا یکی از دوستان که در کجاوه انیس من بودی و در حجره جلیس، به رسم قدیم از در درآمد چندان که نشاط ملاعبت کرد و بساط مداعت گسترد، جوابش نگفتم.»

(۱) انیس

(۲) جلیس

(۳) کجاوه

(۴) ملاعبت

۸۹- «جهان» در همه گزینه‌ها به جز گزینه به عنوان صنعت «مجاز» به کار رفته است. (سراسری انسانی ۷۱)

(۱) جهان، متفق بر الهیتش

(۲) جهان ز درد فراق تو آه و ناله کند

(۳) جهان، ای پسر ملک جاوید نیست

(۴) جهان، دل نهاده بر این داستان

۹۰- در کدام جمله «دنیا» معنی مجازی دارد؟ (سراسری انسانی ۶۸)

(۱) دنیا ارزش مردم آزاری ندارد.

(۲) این دنیا نیز روزی به پایان خواهد رسید

(۳) دوست را بر دنیا و آخرت ترجیح می‌دهیم

(۴) دنیا کمر به نابودی مردمان بسته است.

تست کنایه

- ۹۱- در کدام بیت هر سه آرایه (تشبیه، استعاره و کنایه)، وجود دارد؟ (سراسری ریاضی ۹۴)
- (۱) تو قلّۀ خیالی و تسخیر تو محال
(۲) بعد یک عمر قناعت دگر آموخته‌ام
(۳) چون که گل رفت و گلستان درگذشت
(۴) به صحرای هوس تا کی دلا سر در هوا گردی؟
- ۹۲- مفهوم کنایی «سپر انداختن» در کدام بیت آمده است؟ (سراسری هنر ۹۴)
- (۱) اگر قبول کنی سر نهیم بر قدمت
(۲) تو رها کن سر به مهر این واقعه
(۳) به کنج میکده گریان و سرفکنده شوم
(۴) شهریان را سیر چشم از جود کردن همت است
- ۹۳- مفهوم کنایی کدام بیت در مقابل آن نادرست است؟ (سراسری انسانی ۹۳)
- (۱) سیلاب ریشه ما نتواند از زمین کند
(۲) خویش را پیش‌تر از مرگ خبر باید کرد
(۳) آن چه او ریخت به پیمانۀ ما نوشیدیم
(۴) به هواداری او ذره صفت رقص کنان
- ۹۴- «کنایه» در کدام بیت کمتر یافت می‌شود؟ (سراسری خارج از کشور ۹۳)
- (۱) سبک‌سری که زند پیش بحر لاف وجود
(۲) هر که سجاده خود بر سر آب اندازد
(۳) دهر سپیددست سیه کاسه‌ای است صعب
(۴) فلک با تنگ چشمان گوشۀ چشم دیگر دارد
- ۹۵- در کدام بیت، همه آرایه‌های (تشبیه، مجاز، کنایه، تشخیص)، وجود دارد؟ (سراسری هنر ۸۹)
- (۱) به تخت گل بنشانم بتی چو سلطانی
(۲) چو غنچه با لب خندان به یاد مجلس شاه
(۳) ز روی دوست مرا چون گل مراد شکفت
(۴) گدای میکدهام لیک وقت مستی بین
- ۹۶- در کدام بیت، به‌ترتیب آرایه‌های (مجاز، اغراق، کنایه، تشبیه) وجود دارد؟ (سراسری انسانی ۸۹)
- (۱) گشته ویران خانه‌ام از سیل عشق خانه کن
(۲) فصل گل گر اشک گلگونت ز سر خواهد گذشت
(۳) چون تو خورشیدی نتابیده‌ست در ایوان حسن
(۴) نوح را کشتی شکست از لطمۀ طوفان عشق
- ۹۷- در کدام بیت، کدام گروه آرایه‌های ادبی وجود دارد؟ (سراسری تجربی ۸۸)
- فصل گل گر اشک گلگونت ز سر خواهد گذشت
(۱) مجاز - تشبیه - ایهام - جناس
(۳) کنایه - مجاز - تشبیه - اغراق
- ۹۸- «ادعای چیزی را داشتن» مفهوم کنایی کدام عبارت است؟ (سراسری زبان ۸۳)
- (۱) از چیزی در محظور گیر کردن
(۳) کتّادۀ چیزی را کشیدن
- بخت منی که خوابی و تعبیر تو محال
عشق گنجی است که افزونی‌اش از انفاق است
نشونوی زان پیس ز بلب‌ل سرگذشت
نمی‌بینی رهی، ترسم که گم گردی چو وا گردی
..... (سراسری هنر ۹۴)
- چو بت‌پرست که در پیش بت نماز آرد
مرد حق شو روز و شب چون رابعه
چرا که شرم همی آیدم ز حاصل خویش
در بیابان خیمه چون حاتم نمی‌یابد زدن
..... (سراسری انسانی ۹۳)
- خار علایق از بس دامن ما گرفته (پایداری)
در حصر فکر سرانجام سفر باید کرد (پیش‌بینی و عدم غفلت)
اگر از خمر بهشت است و گر از بادۀ مست (تسلیم و رضا)
تا لب چشمۀ خورشید درخشان بروم (کشش و کوشش)
..... (سراسری خارج از کشور ۹۳)
- اگر به باد دهد سر بجاست هم چو حباب
هم چو کف در نظر همت مردان پوچ است
منگر به خوش‌زبانی این ترش‌میزبان
که چون فرزند کور آید، شود چشم گدا روشن
..... (سراسری هنر ۸۹)
- ز سنبل و سمنش ساز طوق و یاره (دست‌بند) کنم
پپاله گیرم و از شوق جامه پاره کنم
حوالۀ سر دشمن به سنگ خاره کنم
که ناز بر فلک و حکم بر ستاره کنم
..... (سراسری انسانی ۸۹)
- چشم آبادی مدار از خانمان ویران عشق
گل بر سر خواهی زدن از گلبن بستان عشق
ذره‌ای چون من نرقصیده است در میدان عشق
کس نیامد بر کنار از بحر بی‌پایان عشق
..... (سراسری تجربی ۸۸)
- گل به سر خواهی زدن از گلبن بستان عشق
(۲) اغراق - جناس - تشخیص - تضاد
(۴) مراعات‌النظیر - متناقض‌نما - کنایه - استعاره
..... (سراسری زبان ۸۳)
- (۲) چین به صورت انداختن
(۴) در طریق سبعت گام برداشتن

۹۹- در کدام بیت، سه جمله کنایی، در یک مفهوم به کار رفته است؟ (سراسری ریاضی ۸۱)

گرت آسودگی باید برو عاشق شو ای عاقل
بگیرند آستین من که دست از دامنش بگسل
گل از خارم برآوردی و خار از پا و پا از گل
شتر جایی بخواباند که لیلی را بُود منزل

۱۰۰- اشعار زیر در کدام ویژگی مشترکند؟ (المپیاد ادبی)

که در فضای تو به بی‌وزنی اوفتاد
آتش که به زیر دیگ سوداست

(۱) ز عقل اندیشه‌ها زاید که بفرساید
(۲) گروهی هم‌نشین من خلاف عقل دین من
(۳) گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل
(۴) اگر عاقل بود داند که مجنون صبر نتواند

«شعر سپید من روسیاه مانده
روزی تر و خشک ما بسوزد

گو بروید یا نروید / هر چه در هر جا که خواهد یا نمی‌خواهد / باغ تو میدان چشم در راه بهاری نیست»

(۱) متناقض‌نما (۲) استعاره (۳) تشخیص (۴) کنایه

تست ایهام

۱۰۱- در کدام بیت، آرایه «ایهام» به کار رفته است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۸)

صبح یاقوت روان از جام جم دادی مرا
عطار به یک جو نخرد نافه چین را
دست همه بربستی فریاد ز دستانت
انگشت کسی کارگشای دگری نیست

۱۰۲- در کدام بیت، آرایه «ایهام» به کار نرفته است؟ (سراسری انسانی ۸۵)

تو شوخ دیده مگس بین که می‌کند بازی

(۱) شام اگر قوت روانم دادی از خون جگر
(۲) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید
(۳) تا طره طرارت زد دست به طراری
(۴) تا خود نشنوی شانه به زلفش نزی چنگ

(۱) به راستی که نه همبازی تو بودم من
شوخ دیده مگس (=مگس بی‌شرم)

(۲) کردهام خاک در میکده را بستر خویش
(۳) برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است
(۴) در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای

۱۰۳- شاعر در کدام بیت، سه بار از تشبیه و دو بار از ایهام سود جسته است؟ (سراسری انسانی ۸۴)

تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم
چون که زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم
زبان آتشینم هست، لیکن در نمی‌گیرد
در رهگذار باد نگهبان لاله بود

۱۰۴- در کدام بیت، آرایه «ایهام» به کار نرفته است؟ (سراسری انسانی ۸۲)

یادگاری که در این گنبد دوار بماند
زبان آتشینم هست، لیکن در نمی‌گیرد
چون بوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم
چون که زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم

(۱) همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش
(۲) چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم
(۳) میان گریه می‌خندم که چون شمع اندر این مجلس
(۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید

۱۰۵- در کدام گزینه، آرایه «ایهام» به کار رفته است؟ (سراسری ریاضی ۸۰)

در و دیوار گواهی بدهد کاری هست
آن هم کلیم با تو بگویم چه سان گذشت
به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم
به سوی عیب، چون پویی، گر او را غیب‌دان بینی؟

(۱) گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست
(۲) بدنامی حیات، دو روزی نبود بیش
(۳) به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم
(۴) عطا از خلق چون جویی، گر او را مال ده گویی؟

۱۰۶- با توجه به بیت: «کیست حافظ تا ننوشد باده بی‌آواز رود / عاشق مسکین چرا چندین تجمل بایش»، کدام کلمه «ایهام» دارد؟ (سراسری انسانی ۷۹)

- (۱) آواز (۲) باده (۳) تجمل (۴) رود
- ۱۰۷- در کدام بیت، آرایه «ایهام» به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۷۷)
- (۱) پی لقمه چون سگ، تملق مکن
(۲) تواضع کن آن را که دانشور است
(۳) دم صبحگاهان چو گردان سپهر
(۴) ز نادان که اسرارداران سخن
- ۱۰۸- کدام گزینه در بیت: «کوه را هم تیغ داد و هم کمر / تا به سرهنگی او افراخت سر»، دارای «ایهام» است؟ (سراسری انسانی ۷۳)
- (۱) کوه و سرهنگی (۲) کوه و کمر (۳) تیغ و کوه (۴) تیغ و کمر

تست ایهام تناسب

- ۱۰۹- آرایه روبه‌روی کدام بیت، درست است؟ (سراسری هنر ۹۴)
- (۱) به یاد شمع رخت آهی از دلم سرزد
(۲) ای نور چشم مستان درعین انتظارم
(۳) هر دوستی که کردم تأثیر دشمنی داد
(۴) چو بار آشنا ما را غلام خویش می‌خواند
- ۱۱۰- در کدام بیت، آرایه «ایهام تناسب» به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۸۹)
- (۱) تفسیر لطیفی است ز پاکی دل کوه
(۲) چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم
(۳) حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
(۴) گر قلب دلم را نههد دوست عیاری
- ۱۱۱- در کدام بیت، آرایه «ایهام تناسب» به کار نرفته است؟ (سراسری انسانی ۸۶)
- (۱) هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی
(۲) مدام مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
(۳) زهره‌سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
(۴) چشم چپ خویش‌تن برآرم
- ۱۱۲- کدام آرایه، بر زیبایی شعر زیر افزوده است؟ (المپیاد ادبی ۸۰)
- «تمام چهارده سالگی‌اش را در کفن پیچیدم / با همان شور شیرین گونه / که کودکی‌اش را در قنداق می‌پیچیدم».
- (۱) استعاره مصرحه (۲) ایهام (۳) ایهام تناسب (۴) حسن تعلیل

تست لف و نشر

- ۱۱۳- هر کدام از آرایه‌های «اسلوب معادله، تضاد، جناس، ایهام و لف و نشر مرتب» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟ (سراسری انسانی ۹۲)
- الف) گل است باده گل رنگ باده خواران را
ب) آسوده بود عشق ز بی‌تابی عشاق
ج) از نقش چپ و راست خبر نیست نگین را
د) آه هواپرست به مقصد نمی‌رسد
ه) فقر سیاه رو محک بخل و همت است
- (۱) ب، د، ه، الف، ج (۲) ب، د، ه، الف، ج (۳) د، ه، ب، ج، الف (۴) د، ه، الف، ب، ج

۱۱۴- در کدام بیت، آرایه «لفّ و نشر» به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۸۲)

- | | |
|---|---|
| (۱) ردای سبزه ربوده‌ست و گوشوار سمن | (۱) زار لاله دریده‌ست و طیلستان بهار |
| (۲) دهان کبک گرفته‌ست تا نخندد خوش | (۲) گلوی ابر گشاده‌ست تا بگرید زار |
| (۳) ربوده است و گرفته‌ست و بُرده است به عنف | (۳) ز لاله تاج و ز گل یاره از سمن دستار |
| (۴) شنیده‌ای به گلستان چه ظلم کرده خزان | (۴) که شاخ شوکت او خشک باد و زرد و نزار |

۱۱۵- در هر بیتی به جز بیت، آرایه «لفّ و نشر» به کار رفته است؟ (سراسری انسانی ۸۰)

- | | |
|--|--|
| (۱) اگرچه نقش دیوارم به ظاهر از گران خوابی | (۱) اگر رنگ از رخ گل می‌برد، بیدار می‌گردم |
| (۲) دل و کشورت جمع و معمور باد | (۲) ز ملکوت پراکنندگی دور بساد |
| (۳) فرو رفت و بر رفعت روز نبُرد | (۳) به ماهی نم خون و بر ماه، گرد |
| (۴) یار من باش که زیب فلک و زینت دهر | (۴) از مه روی تو و اشک چو پروین من است |

پاسخ نامه آرایه‌های ادبی

«استاد ذاکری»

۱	☐ ☐ ☐ ☐	۱۱	☐ ☐ ☐ ☐	۲۱	☐ ☐ ☐ ☐	۳۱	☐ ☐ ☐ ☐	۴۱	☐ ☐ ☐ ☐
۲	☐ ☐ ☐ ☐	۱۲	☐ ☐ ☐ ☐	۲۲	☐ ☐ ☐ ☐	۳۲	☐ ☐ ☐ ☐	۴۲	☐ ☐ ☐ ☐
۳	☐ ☐ ☐ ☐	۱۳	☐ ☐ ☐ ☐	۲۳	☐ ☐ ☐ ☐	۳۳	☐ ☐ ☐ ☐	۴۳	☐ ☐ ☐ ☐
۴	☐ ☐ ☐ ☐	۱۴	☐ ☐ ☐ ☐	۲۴	☐ ☐ ☐ ☐	۳۴	☐ ☐ ☐ ☐	۴۴	☐ ☐ ☐ ☐
۵	☐ ☐ ☐ ☐	۱۵	☐ ☐ ☐ ☐	۲۵	☐ ☐ ☐ ☐	۳۵	☐ ☐ ☐ ☐	۴۵	☐ ☐ ☐ ☐
۶	☐ ☐ ☐ ☐	۱۶	☐ ☐ ☐ ☐	۲۶	☐ ☐ ☐ ☐	۳۶	☐ ☐ ☐ ☐	۴۶	☐ ☐ ☐ ☐
۷	☐ ☐ ☐ ☐	۱۷	☐ ☐ ☐ ☐	۲۷	☐ ☐ ☐ ☐	۳۷	☐ ☐ ☐ ☐	۴۷	☐ ☐ ☐ ☐
۸	☐ ☐ ☐ ☐	۱۸	☐ ☐ ☐ ☐	۲۸	☐ ☐ ☐ ☐	۳۸	☐ ☐ ☐ ☐	۴۸	☐ ☐ ☐ ☐
۹	☐ ☐ ☐ ☐	۱۹	☐ ☐ ☐ ☐	۲۹	☐ ☐ ☐ ☐	۳۹	☐ ☐ ☐ ☐	۴۹	☐ ☐ ☐ ☐
۱۰	☐ ☐ ☐ ☐	۲۰	☐ ☐ ☐ ☐	۳۰	☐ ☐ ☐ ☐	۴۰	☐ ☐ ☐ ☐	۵۰	☐ ☐ ☐ ☐
۵۱	☐ ☐ ☐ ☐	۶۱	☐ ☐ ☐ ☐	۷۱	☐ ☐ ☐ ☐	۸۱	☐ ☐ ☐ ☐	۹۱	☐ ☐ ☐ ☐
۵۲	☐ ☐ ☐ ☐	۶۲	☐ ☐ ☐ ☐	۷۲	☐ ☐ ☐ ☐	۸۲	☐ ☐ ☐ ☐	۹۲	☐ ☐ ☐ ☐
۵۳	☐ ☐ ☐ ☐	۶۳	☐ ☐ ☐ ☐	۷۳	☐ ☐ ☐ ☐	۸۳	☐ ☐ ☐ ☐	۹۳	☐ ☐ ☐ ☐
۵۴	☐ ☐ ☐ ☐	۶۴	☐ ☐ ☐ ☐	۷۴	☐ ☐ ☐ ☐	۸۴	☐ ☐ ☐ ☐	۹۴	☐ ☐ ☐ ☐
۵۵	☐ ☐ ☐ ☐	۶۵	☐ ☐ ☐ ☐	۷۵	☐ ☐ ☐ ☐	۸۵	☐ ☐ ☐ ☐	۹۵	☐ ☐ ☐ ☐
۵۶	☐ ☐ ☐ ☐	۶۶	☐ ☐ ☐ ☐	۷۶	☐ ☐ ☐ ☐	۸۶	☐ ☐ ☐ ☐	۹۶	☐ ☐ ☐ ☐
۵۷	☐ ☐ ☐ ☐	۶۷	☐ ☐ ☐ ☐	۷۷	☐ ☐ ☐ ☐	۸۷	☐ ☐ ☐ ☐	۹۷	☐ ☐ ☐ ☐
۵۸	☐ ☐ ☐ ☐	۶۸	☐ ☐ ☐ ☐	۷۸	☐ ☐ ☐ ☐	۸۸	☐ ☐ ☐ ☐	۹۸	☐ ☐ ☐ ☐
۵۹	☐ ☐ ☐ ☐	۶۹	☐ ☐ ☐ ☐	۷۹	☐ ☐ ☐ ☐	۸۹	☐ ☐ ☐ ☐	۹۹	☐ ☐ ☐ ☐
۶۰	☐ ☐ ☐ ☐	۷۰	☐ ☐ ☐ ☐	۸۰	☐ ☐ ☐ ☐	۹۰	☐ ☐ ☐ ☐	۱۰۰	☐ ☐ ☐ ☐
۱۰۱	☐ ☐ ☐ ☐	۱۱۱	☐ ☐ ☐ ☐						
۱۰۲	☐ ☐ ☐ ☐	۱۱۲	☐ ☐ ☐ ☐						
۱۰۳	☐ ☐ ☐ ☐	۱۱۳	☐ ☐ ☐ ☐						
۱۰۴	☐ ☐ ☐ ☐	۱۱۴	☐ ☐ ☐ ☐						
۱۰۵	☐ ☐ ☐ ☐	۱۱۵	☐ ☐ ☐ ☐						
۱۰۶	☐ ☐ ☐ ☐								
۱۰۷	☐ ☐ ☐ ☐								
۱۰۸	☐ ☐ ☐ ☐								
۱۰۹	☐ ☐ ☐ ☐								
۱۱۰	☐ ☐ ☐ ☐								

اسلوب معادله - مجاز) کدام است؟ (سراسری ریاضی - ۹۵)

دامنش فردا به نزد دادگر خواهم گرفت
گو مؤذن ز پی بستن قامت باشد
شده است خوان زمین گم در این نمکدان‌ها
می‌برد هر جا که خواهد اسب، خواب آلوده را

(۲) ج - ب - د - الف
(۴) ب - ج - الف - د

(سراسری ریاضی - ۹۵)

به قد و قامتت بینم روان در پای او ریزم»

(۲) ایهام تناسب، مجاز

(۴) کنایه، جناس

(سراسری تجربی- ۹۵)

به قهرم از نظر خویشتن مران ای دوست
(حسن تعلیل)

سرمن مدام مست و شب من سحر ندارد
(کنایه)

بشنو ای خواجه اگر زان که مشامی داری
(استعاره)

مستی بنده هم به دعا آرزو کنی
(ایهام)

(سراسری تجربی-۹۵)

آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو»

(۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبیه

(۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما

ر کدام ابیات آمده است؟ (سراسری تجربی- ۹۵)

مدام خون جگر می خورم ز خوان فراق
وین ماجرا به سرو لب جویبار بخش
گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را
بسان دیگ دائم می زند جوش
وز لوح سینه نقشست هرگز نگشت زایل

ج، د (۴) ب، ج، الف، د، ه

(سراسری زبان- ۹۵)

مردمان بوی تو یابند ز رنگ سخنم»

(۲) استعاره، حس آمیزی، کنایه

(۴) ایهام، تشبیه، حس آمیزی

(سراسری زبان-۹۵)

این است حرف ای دل تا باد نپیمایی
هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگند
نه چنین صورت و معنی که تو داری، دارند
گو بیاسیل غم این خانه ز بنیاد بر

۸- آرایه‌های: «حس آمیزی، تلمیح، کنایه و جناس تام» به ترتیب، در کدام ابیات وجود دارند؟ (سراسری زبان- ۹۵)

- الف- گرچه صد بار غمت خاک مرا داد به باد
ب- چشمت به خواب چشم مرا خواب می‌برد
ج- از سر یک دانه گندم در نمی‌آری گذشت
د- چنان برصورت شیرین این دیوانه مفتونم
- (۱) الف، ج، ب، د (۲) الف، د، ب، ج (۳) د، ج، الف، ب (۴) د، ب، الف، ج

۹- بیت زیر فاقد کدام آرایه‌هاست؟ (سراسری هنر- ۹۵)

- «باشکوه کوه فضلت ابر گریان بر جبال
با وجود جود دستت برق خندان بر سحاب»
- (۱) تشبیه، تضاد (۲) استعاره، جناس (۳) ایهام، حس آمیزی (۴) تشخیص، مراعات نظیر

۱۰- آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام تناسب، استعاره، تشبیه و اسلوب معادله» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟ (سراسری هنر- ۹۵)

- الف) احرام چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست
ب) خبر چشم تر من که رسانید به ابر؟
ج) تن خاکی هدف ناوک دلدوز قضااست
د) مشتی آبی می‌کند خواب گران را تار و مار
ه) دامن فرصت، دل بی تاب نتواند گرفت
- ۱- ب، الف، ه، ج، د ۲- ب، ه، ج، د، الف ۳- الف، ب، ج، ه، د ۴- الف، ج، ب، د، ه

۱۱- آرایه‌های موجود در بیت زیر کدام است؟ (سراسری هنر- ۹۵)

- «در چمن بید از غم بی‌حاصلی مجنون شود»
(۲) حسن تعلیل - ایهام تناسب - اسلوب معادله
(۴) جناس - اسلوب معادله - تلمیح

۱۲- یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟ (سراسری انسانی- ۹۵)

- (۱) گوشه‌گیران قفس را نکهت گلشن بس است
(۲) از دل پر خون تراوش کم کند اسرار عشق
(۳) هم‌چو طوق قمریان آغوش ما گستاخ نیست
(۴) خط‌عذار یار که بگرفت ماه از او

۱۳- در همه‌ی ابیات زیر، متناقض نما (پارادوکس) وجود دارد، به جز :

- (۱) ز بندگی شما صد هزارم آزادی است
(۲) یه روز افغانی و شب یا ربی داشت
(۳) خامشی از کرده‌های بد به فریادم رسید
(۴) دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است

۱۴- ترتیب توالی ابیات، به لحاظ داشتن آرایه‌های: «استعاره، کنایه، حس آمیزی، جناس و تناقض» کدام است؟ (خارج از کشور- ۹۵)

- الف) ز کویش نسیم صبا بوی برد
ب) غریب نیست زمن گر غریب شهر خودم
ج) با باده بوده همره بوی تو در سحرگه
د) تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد
ه) خواهی نکند خطش از دایره بیرون

- (۱) الف، ه، ج، ب، د (۲) د، الف، ه، ج، ب (۳) د، ه، ج، الف، ب (۴) ه، ج، ب، الف، د

۱۵- آرایه‌های مقابل کدام بیت «تماماً» درست است؟

- (۱) سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن
- (۲) با هیچ کس نشانی زان داستان ندیدم
- (۳) هر شبی در این ره صد بحر آتشین است
- (۴) چنگ خمیده قامت می‌خواندت به عشرت

۱۶- هر دو آرایه‌ی مقابل همهی ابیات درست است، به جز :

- (۱) سال‌ها زان لعل نوشین کامران بودیم و اکنون
- (۲) عشق باز آی که جانی به تنم باز آید
- (۳) شمع لرزان شبانگاهم و جانم به سر دست
- (۴) ماه کنعان چو به تلخی به دل چاه کند جان

۱۷- همهی آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- «کمان ابروی او گر کمین غمزه گشود»
- (۱) تشبیه، ایهام، کنایه، مجاز
 - (۳) استعاره، کنایه، تشبیه، جناس

۱۸- ترتیب ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های «اغراق، جناس، تشبیه و کنایه» کدام است؟

- (الف) گفتی که آتشم بنشانی ولی چه سود
 - (ب) با رنگ و بوییت ای گل، گل رنگ و بو ندارد
 - (ج) با صد هزار زخم زبان زنده‌ام هنوز
 - (د) ما همه چشمیم و تو نور ای صنم
- (۱) الف - د - ب - ج
 - (۳) ج - ب - د - الف

۱۹- در همهی ابیات آرایه‌های ایهام و کنایه، هر دو وجود دارند، به جز:

- (۱) من به بوی توام ای دوست هواخواه بهار
 - (۲) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم
 - (۳) من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم
 - (۴) خیال شهبازی پخت و ناگه شد دل مسکین
- ۲۰- بیت زیر دارای کدام آرایه‌هاست؟

- «ناله‌ی زیر و زار من، زارتر است هر زمان»
- (۱) استعاره، مجاز، جناس، ایهام
 - (۳) کنایه، تشبیه، حسن تعلیل، واج آرایی

(خارج از کشور-۹۵)

ای ساربان فروکش کاین ره کران ندارد
(کنایه ، استعاره)
یا من خبر ندارم یا او نشان ندارد
(جناس ، استعاره)
دردا که این معما شرح و بیان ندارد
(اغراق ، اسلوب‌معاذله)
بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد
(حسن آمیزی ، تشخیص)

(سراسری اختصاصی انسانی-۹۵)

باری از آن تیر مژگان گر که نیش آید خوش آید
(تشبیه ، استعاره)
دل نیازاز که دلبر به سر ناز آید
(جناس تام ، استعاره)
تا نسیم سحرم بال و پر افشان به برآید
(تشبیه ، کنایه)
کاروان گو همه با بار گلاب و شکر آید
(استعاره ، کنایه)

(سراسری اختصاصی انسانی-۹۵)

به شوق سینه سپر کن که تیر می‌آید»
(۲) استعاره، جناس، مجاز، ایهام
(۴) جناس، ایهام تناسب، استعاره، مراعات نظیر
(سراسری اختصاصی انسانی-۹۵)
برخاستی که بر سر آتش نشانیم
با لعل آب حیوان آبی به جو ندارد
گردون گمان نداشت به این سخت جانیم
چشم بد از روی تو دور ای صنم
(۲) ج - د - الف - ب
(۴) د - ب - ج - الف

(سراسری ریاضی-۹۵)

کز نسیمش به دماغم همه بوی تو رسد
که لاله می‌دمد از خون دیده‌ی فرهاد
که عنان دل شیدا به کف شیرین داد
خداوندا نگه دارش که بر قلب سواران زد
(سراسری ریاضی-۹۵)
بس که به هجر می‌دهد عشق تو گوش مال من»
(۲) کنایه، مجاز، تشبیه، حسن تعلیل
(۴) استعاره، کنایه، جناس، واج آرایی

۲۱- آرایه‌های «اغراق، تضاد، تشبیه و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (سراسری ریاضی- ۹۵)

- الف) نسخه‌ی قانون عشقت باید ای بیمار نفس
 ب) ای به جام لاله شب‌نم راح ریحانی تو
 ج) چون شفق رنگین کند محراب سیمین افق
 د) سوداز این بهتر چه می‌خواهی که سودا می‌کنند
- ۱) ج، د، ب، الف ۲) ج، ب، الف، د ۳) الف، ج، د، ب ۴) الف، د، ج، ب

۲۲- آرایه‌های مقابل کدام بیت، «تماماً» درست است؟ (سراسری تجربی- ۹۵)

- ۱) در چنگ آرزویت سوزم چو عود و سازم
 ۲) تا در غمت گریان شدم هم شاد و هم خندان شدم
 ۳) کی به اقیانوس وصلت دست می‌یابم که هست
 ۴) چشمه حیوان به تاریکی در است
- چون چنگم از بسازی، چون عودم از بسوزی
 (ایهام تناسب، حسن تعلیل)
 این گریه مستانه شد سرمایه خندیدنم
 (پارادوکس، حس آمیزی)
 طالع‌م طوفانی از هجران طولانی تو
 (جناس، تضاد)
 لؤلؤ اندر بحر و گنج اندر خراب
 (تلمیح، استعاره)

۲۳- آرایه‌های «تشبیه، اسلوب معادله، ایهام، استعاره و اغراق» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (سراسری تجربی- ۹۵)

- الف) چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرمن ماه
 ب) بهره‌خواه ز اسباب به جز محنت نیست
 ج) بر گرفتاری دل خنده‌زنان می‌گذرم
 د) دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی
 ه) گفتم آتش درز نم آفاق را
- ۱) ج، ب، ه، الف، د ۲) ج، ب، الف، ه، د ۳) د، ب، الف، ه، ج ۴) د، الف، ب، ج، ه

۲۴- همه آرایه‌های کدام گزینه، در بیت زیر وجود دارد؟ (سراسری تجربی- ۹۵)

- «ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ نماید»
 ۱) ایهام، تلمیح، تضاد
 ۳) تضاد، تلمیح، حس آمیزی

۲۵- آرایه‌های مقابل کدام بیت، تماماً درست است؟ (سراسری زبان- ۹۵)

- ۱) زلف کافر به رخسارهنمون شد ما را
 ۲) صد صوفی صافی به یکی جرعه کند مست
 ۳) جز حرف پوچ قسمت زاهد ز عشق نیست
 ۴) در عین گوشه‌گیری بودم چو چشم مست
- از ره کفر به سر منزل ایمان شده‌ایم
 (پادوکس، حس آمیزی)
 هر باده که در جام ز مینای تو باشد
 (اغراق، تشبیه)
 کف باشد از محیط نصیب کناره‌ها
 (اسلوب معادله، تضاد)
 و اکنون شدم به مستان چون ابروی تو مایل
 (ایهام تناسب، تشبیه)

۲۶- آرایه‌های «اسلوب معادله، کنایه، ایهام تناسب، حس آمیزی و حسن تعلیل» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (سراسری زبان- ۹۵)

- الف- آه از این قوم سیه دل که گران می‌دانند
 ب- از آن دندان زپیران گردش افلاک می‌گیرد
 ج- جان محال است که در جسم بود فارغ بال
 د- دل آگاه ز تحریک هوا آسوده است
 ه- در این ماتم‌سرا تا یک نفس چون صبح مهمانی
- ۱) ج، الف، د، ه، ب ۲) ج، د، ه، الف، ب ۳) د، الف، ج، ه، ب ۴) د، ب، الف، ج، ه
- به زر قلب، وصال مه کنعانی را
 که از غفلت نیندازی به پیری لب گزیدن را
 خواب، آشفته بود مردم زندانی را
 نیست از باد، خطر تخت سلیمانی را
 به شکر خنده شیرین‌دار که کام تلخ کامان را

۲۷- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«ای ز مژگان تو در چشم گلستان خارها

(۱) تشبیه، پارادوکس، مراعات نظیر، تضاد

(۳) ایهام تناسب، اسلوب معادله، تشخیص، کنایه

۲۸- آرایه‌های مقابل کدام بیت، هر دو درست است؟

(۱) ای پسته تو خنده زنده بر حدیث قند

(۲) بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم

(۳) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من

(۴) صد جوی آب بسته‌ام از دیده بر کنار

(سراسری زبان-۹۵)

گل ز سودای رخت افتاده در بازارها»

(۲) تشبیه، ایهام تناسب، کنایه، تشخیص

(۴) ایهام، تضاد، اسلوب معادله، مراعات نظیر

(سراسری هنر-۹۵)

مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند

(تشبیه، استعاره)

شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

(حسن آمیزی، جناس تام)

آری به یمن لطف شما خاک زر شود

(ایهام تناسب، پارادوکس)

بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت

(حسن تعلیل، اغراق)

(سراسری هنر-۹۵)

۲۹- کدام بیت، دارای آرایه‌ی «تلمیح» است و بیش‌ترین تشبیه را دارد؟

(۱) نگاه‌دار گرت چون عقیق آبی هست

(۲) غنچه چون عیسی به گفتار آمده است از مهد شاخ

(۳) چون زلیخا مشربان ما را تلاش قرب نیست

(۴) به جوی شیر چو فرهاد تیشه فرسودن

۳۰- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های مجاز، تشبیه، تناقض و جناس، کدام است؟

در پای سمنند تو کنم نعل بهایی

در حضرت سلطان که برد نام گدایی؟

دشنام تو خوش‌تر که ز بیگانه دعایی

این بود که با دوست به سر برد وفایی

(۳) د، الف، ج، ب (۴) د، ب، الف، ج

(سراسری انسانی-۹۵)

الف- گردست دهد دولت آنم که سر خویش

ب- من خود به چه ارم که تمنای تو ورزم

ج- بیداد تو عدل است و جفای تو کرامت

د) شاید که به خون بر سر خاکم بنویسند

(۱) ج، الف، ب، د (۲) ج، د، الف، ب

۳۱- «نام مشبه محذوف» در بیت:

«هوای روشن از رنگش مغبر گشت و شد تیره / چو جان کافر کشته ز تیغ خسرو والا» در کدام بیت، آمده است؟

ناله فریادرس عاشق مسکین آمد

که غنچه غرق غرق گشت و گل به جوش آمد

داغ دل بود به امید وفا باز آمد

گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد

(سراسری انسانی-۹۵)

(۱) گریه آبی به رخ سوختگان باز آورد

(۲) تنور لاله چنان برفروخت باد بهار

(۳) لاله بوی می نوشین بنشیند از دم صبح

(۴) رستم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار

۳۲- کدام آرایه‌ها همگی در بیت زیر، وجود دارد؟

«اکنون نه مرا کشتی از آن ابرو و مژگان

(۱) تشبیه نهفته، اشتقاق، استعاره

(۳) مراعات نظیر، جناس ناقص، استعاره مکنیه

دیری است که من کشته آن تیر و کمانم»

(۲) جناس، لف و نشر مرتب، استعاره مصرحه

(۴) تشبیه نهفته، لف و نشر مشوش، مراعات نظیر

(سراسری انسانی-۹۵)

۳۳- توالی ابیات زیر، را براساس آرایه‌های (لف ونشر، پارادوکس، استعاره، تشبیه، ایهام) به ترتیب، کدام است؟

ذکر تو بر زبان من مخفی و آشکار هم

لیک قهر آن به که گاهی باشد و گاهی نباشد

وردی است که صبح و شام دارم

همه زان خال و خط و طره مشکین دارم

چشم من بر رهت گلاب زده

(۲) ج، ب، ه، د، الف

(۴) د، الف، ه، ب، ج

الف) شاد ز تو روان من، زنده به بوت جان من

ب) زهر قهرت گرچه شیرین است اندر کام عاشق

ج) ذکر رخ و زلف تو دل‌م را

د) روز تاریک و شب تیره و اقبال سیاه

ه) ای لب‌ت خنده بر شراب زده

(۱) ج، الف، ب، د، ه

(۳) د، ب، ج، الف، ه

۳۴- در کدام ابیات، تشبیه و استعاره هر دو به کار رفته است؟

(خارج از کشور- ۹۵)

غم فراق تو گویی هزار سال بود
چشم فلک چون تو آفتاب نبیند
هنگام نوبت سحر است ای ندیم خیز
بر آن غریب ما چه گذشت ای صبا بگو

(۴ ج - د)

الف) شب وصال تو چون باد بی وصال بود
ب) روح ز تو خوب‌تر به خواب نبیند
ج) پیوند روح می‌کند این باد مشک‌بیز
د) جان‌ها ز دام زلف چو بر خاک می‌فشاند

(۱ الف - ب (۲ الف - ج (۳ ب - د

۳۵- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟

(خارج از کشور- ۹۵)

پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید»
(۲) استعاره، حس آمیزی، نغمه‌ی حروف، کنایه
(۴) تشبیه، ایهام، نغمه‌ی حروف، مراعات نظیر

«نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی
(۱) استعاره، حس آمیزی، مجاز، حسن تعلیل
(۳) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام تناسب

۳۶- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «ایهام تناسب، استعاره، کنایه، حس آمیزی»، کدام است؟ (خارج از کشور- ۹۵)

کز گلستان صفا بوی وفایی ندمید
کام در کام نهنگ است بپاید طلبید
چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید
گو بگو از لب شیرین که لطیف است و لذید

(۴) د، الف، ب، ج

(۳) ج، د، ب، الف

(۲) ج، الف، ب، د

(۱) الف، ب، ج، د

(گزینه دو- ۹۵)

۳۷- آرایه‌ی نوشته شده مقابل همه‌ی گزینه‌ها درست است به جز گزینه‌ی

گویا عزای اشرف اولاد آدم است (تشبیه)
که هیچ کس نتواند گرفت جای تو را (مجاز)
که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی (جناس)
که به همت عزیزان برسم به نیک نامی (تضاد)

(گزینه دو- ۹۵)

(۱) جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند
(۲) چنان تو در دل من جا گرفته‌ای ای جان
(۳) نوبهار است در آن کوش که خوش دل باشی
(۴) شده‌ام خراب و بدننام و هنوز امیدوارم

۳۸- توضیح همه‌ی گزینه‌ها درست است، به جز گزینه‌ی

(۱) مدرسه‌ی شما یک وزارت‌خانه‌ی من درآوردی که به امر اعلی حضرت گردن نمی‌گذارد. پهلوی اهل من بمیرم و تو بمیری نیست؛ گردن آدمو می‌شکونه. (سه کنایه وجود دارد.)

(۲) آره، همی جاس؛ بوشو می‌شنم. (حس آمیزی)

(۳) بعید از ما قدرت‌مداران هفت خطه که تو این بازی قهر و آشتی کوتاه ببیایم. (کنایه - تشبیه - استعاره)

(۴) شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب (اغراق - تشبیه - تشخیص)

(گزینه دو- ۹۵)

۳۹- آرایه‌های ادبی در مقابل همه‌ی گزینه‌ها درست است، مگر گزینه‌ی

نبندد مرا دست چرخ بلند
(اغراق - کنایه - استعاره)
تویی آفریننده‌ی ماه و تیر
(ایهام تناسب - مراعات نظیر- مجاز)
از او دور شدد دانش و فره‌ی
(استعاره - ایهام - تضاد)
زمین شش شد و آسمان گشت هشت
(جناس - اغراق - واج‌آرایی)

(گزینه دو- ۹۵)

۴۰- آرایه‌های «حسن تعلیل، کنایه، تناقض، جناس تام و ایهام» به ترتیب در کدام گزینه‌ها آمده است؟

واله (= عاشق) شد و فریاد برآورد که ماهی
ز پیش آهوی این دشت، شیر نر برمد
پروانه را چه حاجت پروانه‌ی دخول؟
بمان که تیر امان تو در کمان من است
که باد غالیه‌سا گشت و خاک عنبر بوست

(۲) ه - د - ب - ج - الف

(۴) ب - د - ج - ه - الف

الف) دل، عکس رخ خوب تو در آب روان دید
ب) عجایب ره عشق ای رفیق بسیار است
ج) روزی سرت ببوسم و در پایت اوفتم
د) بدین نشان که تویی ای دل نشسته به خون
ه) مگر تو شانه زدی زلف عنبر افشان را

(۱) ه - ج - الف - ب - د

(۳) الف - ب - ه - ج - د

۴۱- آرایه‌ی مقابل چند گزینه نادرست است؟

(الف) عاقلان را تا در این موسم چو خود دیوانه دید

(ب) عارضش لاله‌ی سیراب و قدش سروسهی

(ج) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد

(د) من که ره بردم به گنج حسن بی‌پایان دوست

(ه) صد میکده خون بیش کشیده است دل من

(گزینه دو- ۹۵)

بیدمجنون، سجده‌ی شکری به جا آورده است

(اسلوب معادله)

بر سر سرو سهی، لاله به بار است آن جا

(تشخیص)

بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد

(جناس)

صدگدای همچو خود را بعد ازین قارون کنم

(استعاره)

تا کار به رنگینی گفتار کشیده است

(حس آمیزی)

(۱) سه (۲) یک (۳) دو (۴) چهار

۴۲- آرایه‌ی درج شده در مقابل کدام گزینه درست است؟

(۱) عشق و درویشی و انگشت نمایی و ملامت

(۲) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

(۳) ماجرای عقل پرسیدم ز عشق

(۴) خدایش تیغ نصرت داده در چنگ

۴۳- آرایه‌ی مشترک ابیات زیر چیست؟

(الف) ز مرگ تلخ به ما بدگمان مشو زنه‌ار

(ب) ز من به نکته‌ی رنگین چو لاله قانع شو

(ج) کارفرمایی چو شیرین در جهان تلخ نیست

(د) در مذاق من، شراب تلخ، آب زندگی است

(۱) تشبیه (۲) حس آمیزی (۳) اسلوب معادله

۴۴- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

«به ملک جم مشو غره که این پیران رویین تن

(۱) تشبیه - جناس تام - ایهام تناسب

(۳) جناس - حسن تعلیل - کنایه

(گزینه دو- ۹۵)

همه سهل است تحمل نکنم بار جدایی (تضاد)

تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی (ایهام)

گفت معزول است و فرمانیش نیست (تشبیه)

کز آهن نقش داند بست بر سنگ (مجاز)

(گزینه دو- ۹۵)

که از طلسم غم آزاد می‌کنیم تو را

که از برای درودن نکشته‌اند مرا

ورنه چون فرهاد دستی در هنر داریم ما

شیشه چون خالی شد از من، پر شود پیمانه‌ام

(۴) تضاد

(گزینه دو- ۹۵)

به دستانت به دست آرند اگر خود پوردستانی»

(۲) تلمیح - جناس - حس آمیزی

(۴) اسلوب معادله - تشخیص - تشبیه

(گزینه دو- ۹۵)

۴۵- آرایه‌های مقابل تمام گزینه‌ها به جز گزینه‌ی کاملاً درست است.

در ملک فصاحت چو زبان کام نرانی

(تشبیه - کنایه)

وز مهر آن سرو روان از نارون باز آمدم

(جناس - ایهام)

کجا زیوسف مصری جدا بود یعقوب

(تضاد - تلمیح)

حیف است زخوبی که شود عاشق زشتی

(استعاره - واج آرایی)

(گزینه دو- ۹۵)

۴۶- در کدام بیت هر سه آرایه‌ی «حسن تعلیل - تشخیص - مراعات نظیر» وجود دارد؟

دست غمش در شکست پنجه‌ی نیروی من

جز شربت مرگش نبود هیچ دواپی

در بهاران ناله‌ی مرغ چمن بیهوده نیست

از من چه دیده‌ای که نظر بر گرفته‌ای

(۱) ساعد دل چون نداشت قوت بازوی صبر

(۲) سوزی که مرا بر جگر از آتش عشق است

(۳) خنده‌ی گل می‌دهد یادی ز آغوش وداع

(۴) ای ماه من چرا ستم از سر گرفته‌ای

۴۷- در کدام گزینه آرایه‌های «تشخیص، تضاد و حسن تعلیل به کار رفته است؟

(گزینه دو- ۹۵)

مرده را کردند از این رو جامه‌ی ماتم سپید
چون شوی بیمار، بهتر گردی از گردن زدن
فرارز رایست او بوسه گاه پروین باد
گریه‌اش بر سمن و سنبیل و نسرين آمد

۴۸- آرایه‌های «اسلوب معادله، جناس، حس آمیزی، استعاره و مجاز» به ترتیب در کدام گزینه‌ها آمده است؟ (گزینه دو- ۹۵)

جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد
باد را خاصیت آن است که باران آرد
رنگ‌ها خفته است بیدل! در صدای عندلیب
به تیغ مرگ شود دست من رها ای دوست
آفرین گویی بر آن حضرت که مار بار نیست

(۲) ب - ه - ج - الف - د

(۴) الف - د - ب - ج - ه

(۱) ننگ دارد مرگ از وضع رسوم زندگی
(۲) چون بمیری آتش اندر تو رسد زنده شوی
(۳) نشیب حضرت او سجده‌گاه خورشید است
(۴) رسم بد عهدی ایام چو ابر بهار

(الف) دل در طلب خنده‌ی شیرین تو خون شد
(ب) آه را گر بود اشکی به قفا نیست عجب
(ج) آه مشتاقان، نسیم نوبهار یاد اوست
(د) اگر جهان همه دشمن شود ز دامن تو
(ه) ای نسیم صبح اگر باز اتفاقی افتد

(۱) الف - ه - ج - د - ب

(۳) ب - ه - الف - د - ج

۴۹- آرایه‌های «تضاد، تشبیه، استعاره و تلمیح» در کدام گزینه وجود دارد؟

(گزینه دو- ۹۵)

شمعی و پنهان می‌روی پروانه جویان تاکجا؟
خونریز دل‌ها کرده‌ای خون کرده پنهان تاکجا؟
درجوی جان خوش می‌روی ای آب حیوان تاکجا؟
حدی است هر بیدار را، این حد هجران تاکجا؟

(گزینه دو- ۹۵)

باد یا رب روزی برق بلا برگ و بَرَم
(جناس - تشبیه - پارادوکس)
بمیرد پیش من رستم چو از دستان من باشد
(کنایه - تشبیه - پارادوکس)
مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان
(کنایه - جناس - استعاره - تضاد)
جان من وقت نیامد که به تن باز آیی
(ایهام - تضاد - استعاره)

(گزینه دو- ۹۵)

تا دمی بر آساییم زین حجاب ظمانی
(استعاره - مجاز - تناسب)
آن چه جگر سوزه بود باز جگر سازه شود
(ایهام - حس آمیزی - پارادوکس)
نزد گره گشای هوا می‌فرستمت
(ایهام - استعاره - مجاز)
که امیدت ز نند گه گه بر او آب
(کنایه - جناس - حسن تعلیل)

(گزینه دو- ۹۵)

آفرین گفته و دشنام شنیده است منم
(استعاره - متناقض‌نما)
خَرَم کند چمن را یاران صبحگاهی
(حس آمیزی - حسن تعلیل)
مسکین خبرش از سر و در دیده حیا نیست
(ایهام - تشخیص)
عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت
(تشبیه - تلمیح)

(۱) خوش خوش خرامان می‌روی ای شاه جویان تاکجا
(۲) ز انصاف خو واکرده‌ای، ظلم آشکارا کرده‌ای
(۳) بردل چو آتش می‌روی تیز آمدی کش می‌روی
(۴) گره ره دهم فریاد را، از دم بسوزم باد را

۵۰- آرایه‌های همه‌ی گزینه‌های به جز گزینه‌ی درست است.

(۱) برگ من بی برگی است و بار، بارِ خاطر است
(۲) نبیند روی من زردی به اقبال لب لعلش
(۳) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
(۴) شمع من روز نیامد که شبم بفروزی

۵۱- آرایه‌های نوشته شده‌ی همه‌ی ابیات درست است، مگر گزینه‌ی

(۱) ساقیا بده جامی زان شراب روحانی
(۲) راز، نهان دار و خمش ور خمشی تلخ بود
(۳) دست هوا به رشته‌ی جان گره زدست
(۴) نسوزد جان من یک باره در تاب

۵۲- آرایه‌های درج شده در مقابل کدام گزینه تماماً درست است؟

(۱) آن که پیش لب شیرین تو ای چشمه‌ی نوش
(۲) اشک سحر زداید از لوح دل سیاهی
(۳) نرگس طلبد شیوه‌ی چشم تو زهی چشم
(۴) بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود

۵۳- آرایه‌های «اسلوب معادله، ایهام تناسب، جناس و استعاره» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (گزینه دو- ۹۵)

- (الف) دست از جهان بشوی که اطفال حادثات
(ب) شب‌نم نکرد داغ دل لاله را علاج
(ج) هزاران همچو بلبل هر بهاری می‌شود پیدا
(د) در این محیط که هر موج مد احسانی است
- (۱) الف - ب - ج - د
(۲) ب - الف - د - ج
(۳) د - ج - الف - ب

۵۴- آرایه‌های «تملیح، تضاد، تشبیه و جناس» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟ (گزینه دو- ۹۵)

- (الف) دوستان در پرده می‌گوییم سخن
(ب) ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی
(ج) آفرینش سر به سر زیباست زشتی‌ها زماست
(د) کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
- (۱) ج، د، ب، الف
(۲) د، ج، ب، الف
(۳) ج، ب، الف، د
(۴) د، الف، ب، ج

۵۵- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی «تشبیه و تشخیص» به کار رفته است؟ (گزینه دو- ۹۵)

- (۱) خانه پرداخته‌ام تا تو زجا خاسته‌ای
(۲) اشک رنگین بسی از دیده فشاند ابر بهار
(۳) آخر از ناله به جایی نرسیدی ای دل
(۴) پی به سر منزل مقصود نخواهی بردن
- ۵۶- در همهی گزینه‌های زیر، آرایه‌های مقابل درست نوشته شده است، مگر گزینه‌ی (گزینه دو- ۹۵)
- (۱) صبا ای کاش می‌گفتی بدان آهوی مشکین مو
(۲) ای دَمَت عیسی‌ی دم از دوری مزن
(۳) دل چو روشن شد کند کوتاه دست نفس را
(۴) در قمار عشق او هر کس دل و جان باخت، برد

- (تشخیص - کنایه - استعاره)
من غلام آن که دور اندیش نیست
(مجاز - کنایه - ایهام - تلمیح)
پرتو مهتاب با دزدان کند کار عَسَس (پاسبانان)
(استعاره - تشخیص - اسلوب معادله - تضاد - کنایه)
در کمند زلف او هر کس به بند افتاد، رست
(تشبیه - کنایه - اسلوب معادله - مجاز)

۵۷- کدام آرایه در بیت زیر نیست؟ (قلم چی- ۹۵)

- «من آزاده از خاک آزادگانم»
(۱) تکرار (۲) مجاز (۳) تضاد (۴) تشبیه

۵۸- در کدام بیت هر سه آرایه‌ی «تشبیه، استعاره و کنایه» وجود دارد؟ (قلم چی- ۹۵)

- (۱) سرپنجه‌ی خورشید به شب‌نم نتوان تافت
(۲) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
(۳) به امید چکیدن دست و پای می‌زند اشکم
(۴) از زخم زبان نیست گزیر اهل رقم را

۵۹- با توجه به ابیات، ترتیب آرایه‌های «ایهام تناسب، تشبیه، تضاد، حس آمیزی، جناس» در کدام گزینه درست ذکر شده است؟ (قلم چی- ۹۵)

- (الف) هیچ کار از سعی ما چون کوهکن صورت نیست
(ب) کار هر بی‌ظرف نبود دل زجان برداشتن
(ج) یک دل صد پاره آید عارفان را در نظر
(د) تا چو زنبور عسل در چشم هم شیرین شوند
(ه) بهره از آمیزش نیکان ندارد بد که هست
- (۱) ب، الف، ج، ه، د
(۲) د، ج، ه، ب، الف
(۳) الف، ب، ج، ه، د
(۴) ه، ج، د، الف، ب

۶۰- در بیت «رنگین سخنی چون کند از خامه‌ی ما گل / باغ از گره غنچه دهد روی نما گل» آرایه‌های کدام گزینه وجود دارد؟

(قلم چی - ۹۵)

(۱) حس آمیزی - تشخیص - تناقض - تناسب

(۲) اسلوب معادله - تشبیه - تضاد - کنایه

(۳) مراعات نظیر - استعاره - جناس تام - مجاز

(۴) کنایه - حس آمیزی - استعاره - تشبیه

۶۱- آرایه‌های «تناقض، تشبیه، کنایه، تضاد، حس آمیزی» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(قلم چی - ۹۵)

(الف) تو گر نباشی کج بین، چگونه آیدر است
(ب) غبار کوی تنزل به دیده تا نکشی
(ج) شب عید است، می‌باید در میخانه واکردن
(د) خدا نصیب کند دیده‌ای که بتوانی
(ه) ز صدق دوستی آن کس که بهره‌مند بود

(۱) د، ب، ه، الف، ج (۲) الف، ب، ه، ج، د (۳) د، ه، الف، ب، ج (۴) الف، ه، د، ج، ب

۶۲- آرایه‌های مقابل همه‌ی گزینه‌ها به‌استثنای گزینه‌ی کاملاً درست است.

(قلم چی - ۹۵)

(۱) خروش سیل حوادث بلند می‌گوید
(۲) تا خراشیده نگردد نشود صاحب نام
(۳) رسم بد عهدی ایام چو دید ابر بهار
(۴) دهر سیه کاسه‌ای است، ما همه مهمان او

دل رنگین سخنان هم‌چو عقیق یمن است
(حس آمیزی - ایهام)
گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد
(اسلوب معادله - حسن تعلیل)
بی‌نمکی تعبیه است در نمک اخوان او
(پارادوکس - کنایه)

۶۳- ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های «اغراق، ایهام، اسلوب معادله، استعاره» کدام است؟

(قلم چی - ۹۵)

(الف) حسن و عشق پاک را شرم و حیا در کار نیست
(ب) چشمی به رهت دوخته‌ام باز که شاید
(ج) دورم از یار و نیارم سوی او رفتن که اشک
(د) به لعل یار تا پیوست شد جان از فنا ایمن

(۱) ج - ب - الف - د (۲) د - الف - ج - ب (۳) ج - الف - د - ب (۴) الف - د - ب - ج

۶۴- ترتیب توالی ابیات زیر به دلیل داشتن آرایه‌های «ایهام - جناس - حسن تعلیل - پارادوکس» کدام است؟

(قلم چی - ۹۵)

(الف) ای دل آن دم که خراب از می گلگون باشی
(ب) اگر صد بار برخیزد همان بر خاک بنشیند
(ج) بر سر تربت من با می و مطرب بنشین
(د) در این زمین چو تو، خورشید طلعتی بوده است

(۱) ج، د، ب، الف (۲) ج، ب، د، الف (۳) الف، ج، د، ب (۴) الف، د، ج، ب

۶۵- در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «تناقض، کنایه، تلمیح و تشبیه» وجود دارد؟

(قلم چی - ۹۵)

(۱) ز سوز سینه کبابم، ز سیل دیده خرابم
(۲) من که ره بردم به گنج حسن بی‌پایان دوست
(۳) لب چون آتشش آب حیات است
(۴) هُش که گر زمزمه‌ی عقل کنی گوش

تو شمع بزم کسانی و من در آتش و آبم
صد گدای هم چو خود را بعد از این قارون کنم
از آن آب، آتشی در ما گرفته است
آدم صفت از روضه‌ی رضوان به درآیی

۶۶- در بیت «سیر چشمان را نسازد تنگ دستی در به در / حلقه، خود را از تهی چشمی به هر در می‌زند» آرایه‌های کدام گزینه به کار رفته است؟

(قلم چی- ۹۵)

(۲) کنایه، استعاره، اسلوب معادله

(۴) ایهام، اسلوب معادله، تناقض

(۱) تشخیص، تشبیه، تلمیح

(۳) کنایه، تشبیه، تضاد

(قلم چی- ۹۵)

۶۷- آرایه‌ی مقابل همه‌ی ابیات به استثنای بیت درست است.

دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیدم (جناس)

انگشت ندامت نتوانم به دهان برد (واج آرایی)

ویرانه حیف درخور سیلاب جا نداشت (تشخیص)

در سر کوه تو سنگی که به پای آمده است (جناس تام)

(۱) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیدم

(۲) از بس که گرفتار به خون خوردن خویشم

(۳) دل از هجوم درد تو شرم‌دگی کشید

(۴) دامن ار دامن صحراست در او کی گنجد

۶۸- آرایه‌های بیت «نواخت هیچ گاه مرا، گرچه بی دریغ / هر زیر و بم که گفت قضا، من نواختم» در کدام گزینه آمده است؟

(قلم چی- ۹۵)

(۲) واج آرایی، استعاره، اسلوب معادله، جناس

(۴) استعاره، تناسب، تشخیص، تضاد

(۱) تلمیح، تشبیه، جناس، تضاد

(۳) تضاد، استعاره، تناقض، تلمیح

(قلم چی- ۹۵)

۶۹- در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «کنایه، تشبیه، جناس تام و جناس ناقص» به کار رفته است؟

کمند زلف تو باری دگر به دستم داد

غلام همت آنم که دل بر او نهاد

به دام عشق در افتاد هر چه بادا باد

که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد

۷۰- کدام گزینه بیت‌های زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «مجاز، ایهام تناسب، حس آمیزی، تشبیه، تضاد» مرتب می‌کند؟

(قلم چی- ۹۵)

(۱) زمانه گرچه بسی بر سرم سپاس نهاد

(۲) جهان بر آب نهاده‌ست و زندگی بر باد

(۳) دلم که چون سر زلف تو می‌رود بر باد

(۴) گره ز دل بگشاوز سپهر یاد مکن

که عشق زمزمه بر تار پیرهن بندد

بعد از این از سینه آه سرد می‌باید کشید

در میان عاشقان این سرزنش ما را بس

می‌برد از هوش این می کبک صاحب هوش را

حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است

(۴) د، ه، ب، الف، ج

(۳) الف، ج، د، ه، ب

(الف) عجب مدار ز هر مو چو چنگ اگر نالم

(ب) ناله‌های گرم را از بس که تأثیری نماند

(ج) گل زدست غیر می‌گیری و بر سر می‌زنی

(د) نیست پند تلخ واعظ آشنای هر مذاق

(ه) ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است

(۱) ج، ه، د، الف، ب

(۲) ج، الف، ب، ه، د

(قلم چی- ۹۵)

۷۱- در کدام گزینه، همه‌ی آرایه‌های «ایهام، تلمیح، تشبیه و مراعات نظیر» آمده است؟

چشم را از گریه در راه عزیز انداختن

شرط است که یک چند به زندان بنشیند

صبا به شهر درآورده بوی پیرهنش

کی ز آغوش پدر، یوسف به زندان آمدی؟

۷۲- اگر ابیات زیر را از پایین به بالا تنظیم کنیم آرایه‌های «تشبیه، ایهام، تلمیح، اسلوب معادله» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(قلم چی- ۹۵)

(۱) دارم این یک چشمه کار از پیر کنعان، یادگار

(۲) آن کس که چو یوسف بودنش چشم عزیزی

(۳) عزیز مصر چمن شد جمال یوسف گل

(۴) در وطن گر می‌شدی هر کس به آسانی عزیز

چنین که حافظ ما مست باده‌ی ازل است

زان چرخ زنان است که این بار ندارد

کز خواب کسی را گل شادی نشکفت

هیچ دامی مانع از جولان نگردد آب را

(۴) ج، ب، الف، د

(۳) الف، ب، ج، د

(۲) ج، الف، ب، د

(قلم چی- ۹۵)

۷۳- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «ایهام تناسب، تشبیه، تلمیح، اغراق» کدام است؟

منفعت زاین به که زین سان نامی از سهراب ماند

اگر بشنود نام افراسیاب

پیری است غم عشق که تدبیر ندارد

لیک در دل حسرت دلدار می‌یابم هنوز

(۴) ج، د، ب، الف

(۳) د، الف، ج، ب

(۲) ب، ج، د، الف

(الف) نفع دارد نوشداری جهان ناخوردنش

(ب) شود کوه آهن چو دریای آب

(ج) تسکین ده عاشق نه فراق و نه وصال است

(د) همچو خسروجان شیرین باختم در راه عشق

۷۴- آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

(۱) صدهزاران گل شکفت و بانگ مرغی برخواست

(۲) عاشقان، مرغ و هوا عشق و جهان هست قفس

(۳) از زبان لعل لبش تلخی گفتار نبرد

(۴) دولت خواهی، مده ز کف دامن فقر

۷۵) آرایه در کدام گزینه نادرست آمده است؟

(۱) سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل

(۲) ای صبح شب نشینان جانم به طاقت آمد

(۳) هر کاو شراب فرقت روزی چشیده باشد

(۴) بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران

(قلم چی- ۹۵)

عندلیبان را چه پیش آمد؟ هزاران را چه شد

(جناس ، نغمه‌ی حروف)

با قفس انس ندارند هوا می‌خواهند

(ایهام ، مراعات‌نظیر)

نمک سنگ کجا تلخی بادام کشد؟

(اسلوب‌معادله ، تضاد)

کز دولت فقر شد هما، شاه‌نشان

(پارادوکس ، تشخیص)

(قلم چی- ۹۵)

بیرون نمی‌توان کرد آلا به روزگاران

(کنایه)

از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران

(تشخیص)

داند که سخت باشد قطع امیدواران

(تشبیه)

کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

(تضاد)

۷۶- اگر بخواهیم ابیات زیر را بر پایه‌ی داشتن آرایه‌های «استعاره، تشبیه، ایهام، جناس» منظم کنیم، کدام ترتیب صحیح است؟

(قلم چی- ۹۵)

چه جای کلک بریده زبان بی‌هده گوست

چشم می‌گون، لب خندان، دل خرم با اوست

زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست

ور هست پیش اهل حقیقت کنار اوست

(۴) الف، د، ب، ج

(۳) ب، ج، د، الف

(۲) ب، الف، ج، د

(۱) الف، ب، ج، د

(قلم چی- ۹۵)

۷۷- در ابیات کدام گزینه به ترتیب، آرایه‌های «استعاره، کنایه، تناسب، جناس» قرار دارد؟

یا همگی رنگ شود یا همه آوازه شود

پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

کنند او را ز عود و ساج خانه

بی تو اگر سرخ بود، از اثر غازه شود

(۴) د، الف، ج، ب

(الف) زبان ناطقه در وصف حُسن او لال است

(ب) آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست

(ج) دل دادمش به مژده و خلعت همی برم

(د) دریای عشق را به حقیقت کنار نیست

(۱) الف، ب، ج، د

(۲) ب، الف، ج، د

(۳) ب، ج، د، الف

(۴) الف، د، ب، ج

(قلم چی- ۹۵)

که از برای درودن نکشته‌اند»

(۲) استعاره، تشبیه، جناس

(۴) استعاره، تشبیه، تناسب

(سراسری ریاضی ۹۷)

که همچو ذره در مهرش گرفتار هوا ماند»

(۲) تشبیه، استعاره، ایهام تناسب

(۴) استعاره، ایهام تناسب، جناس

۷۸- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه آمده‌اند؟

«ز من به نکته‌ی رنگین چو لاله قانع شو

(۱) اسلوب، معادله، تشخیص، مراعات‌نظیر

(۳) اسلوب معادله، تشبیه، تشخیص

۷۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«قضای لازم است آن را که بر خورشید عشق آرد

(۱) تشبیه، ایهام، مجاز

(۳) استعاره، کنایه، مجاز

۸۰- در کدام بیت یکی از آرایه‌های مقابل آن نادرست ذکر شده است؟

(سراسری ریاضی ۹۷)

در چمن سرو چو بالای تو می‌ماند راست (مجاز، ایهام)
سنبل خط تو بر یاقوت می‌آرد برات (تشبیه، استعاره)
می‌برد زنگ‌زدل صبح به گیسوی سفید (اسلوب معادله، ایهام تناسب)
گر پخته‌ای، خامی مکن و آن پخته درده خام را (تضاد، پارادوکس)

(سراسری ریاضی ۹۷)

چشم در پییده ادب نگاه ندارد
ما را بکشت یار به انفاس عیسوی
منه از دست که سیل غمت از جا ببرد
گره بند قبای غنچه وا کرد

(۴) د، الف، ب، ج

(سراسری تجربی ۹۷)

ماه رخساری ملایک منظری
سمن بری، صنمی، گلرخی، جفاکاری
به گاه جلوه‌گری چون تذرو رفتاری
که ماه را نماند بر حسنش بازاری

(سراسری تجربی ۹۷)

باری به هیچ روی ز من روی برمتاب»
(۲) تشبیه - ایهام - جناس تام - کنایه
(۴) ایهام تناسب - استعاره - تناسب - واج آرایی

(سراسری تجربی ۹۷)

فرهاد بدانی که چرا سنگ بریده است
آن کس که سخن گفتن شیرین نشنیده است
دل نیست که در بر چو کبوتر نپاییده است
پیدا است که هرگز کس از این میوه نچیده است
از مشک سیه دایره نیمه کشیده است

(۲) الف، د، ه، ج، ب

(۴) ه، د، ج، الف، ب

(سراسری انسانی ۹۷)

ناله کن بلبل که گل‌بانگ دل افکاران خوش است
که عن‌دلیب تو از هر طرف هزارانند
ز آنرو که مرا از لب شیرین تو کام است
باز پرسید خدا را که به پروانه کیست

(سراسری انسانی ۹۷)

که تا بزداد و بشد جام می ز کف ننهاد»
(۲) حسن تعلیل، ایهام، مجاز، کنایه
(۴) استعاره، تشبیه، کنایه، ایهام تناسب

(سراسری خارج از کشور ۹۷)

که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن (ایهام، کنایه)
که شود فصل بهار امی ناب آلوده (تشبیه، جناس)
شمشاد خوش خرامش درناز پروریده (استعاره، واج آرایی)
بس کشته دل زنده که بریکدیگر افتاد (اغراق، استعاره)

(۱) چون قد سرو خرام تو بگویم سخنی
(۲) عنبر زلف تو بر کافور می‌بندد نقاب
(۳) پیر چون زنده دل افتد ز جوان کمتر نیست
(۴) خامی چو من بین سوخته و جان ز آتش افروخته

۸۱- آرایه‌های «واج آرایی، ایهام تناسب، استعاره و پارادوکس» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

(الف) شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت
(ب) این قصه عجب شنو از بخت واژگون
(ج) جام مینایی می‌سد ره تنگ دلی است
(د) نقاب گل کشید و زلف سنبل

(۱) الف، ج، د، ب (۲) ب، الف، د، ج (۳) ج، الف، د، ب

۸۲- در همه ابیات، تعداد تشبیه‌ها یکسان است؛ به جز:

(۱) سـرو رفتاری صـنوبر قـلـامـتی
(۲) مرا دلی است گرفتار عشق دلـداری
(۳) همای فری طاووس حسنی و طوطی نطق
(۴) بنفشه زلفی نسـرین بری سمن بویی

۸۳- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟

«بر روی چو مه ار چه بتابی کمند زلف
(۱) مجاز - تشبیه - جناس - تشخیص
(۳) استعاره - ایهام - جناس تام - مجاز

۸۴- آرایه‌های «استعاره، تشبیه، واج آرایی، کنایه و ایهام» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

(الف) ای عاقل اگر پای به سنگیت برآید
(ب) رحمت نکند بر دل بیچاره فرهاد
(ج) از دست کمان مهره ابروی تو در شهر
(د) در وهم نیاید که چه مطبوع درختی
(ه) آن کیست که پیرامن خورشید جمالش

(۱) د، ج، ه، ب، الف

(۳) د، الف، ج، ه، ب

۸۵- در کدام بیت، آرایه «ایهام» وجود دارد؟

(۱) ناگشوده گل نقاب آهنگ رحلت ساز کرد
(۲) نه من بر آن گل عارض غزل سرایم و بس
(۳) از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر
(۴) دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو

۸۶- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست است؟

(۱) مگر که لاله بدانست بی‌وفایی دهر
(۱) کنایه، تشبیه، مجاز، ایهام
(۳) استعاره، تضاد، مجاز، حسن تعلیل

۸۷- آرایه‌های مقابل همه ابیات، «کاملاً» درست است؛ به جز:

(۱) به می‌پرستی از آن نقش خود زدم بر آب
(۲) گفتم ای جان جهان دفتر گل عیبی نیست
(۳) یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده
(۴) مژگان تو تا تیغ جهان گیر برآورد

۸۸- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«در مجلس دهر، ساز مستی پست است

(۱) استعاره، مجاز، ایهام، حسن تعلیل

(۳) استعاره، مجاز، کنایه، حسن تعلیل

(سراسری خارج از کشور ۹۷)

نه چنگ به قانون و نه دف بر دست است»

(۲) تشبیه، استعاره، ایهام، کنایه

(۴) تشبیه، جناس، ایهام تناسب، کنایه

(سراسری خارج از کشور ۹۷)

بر دلم چند زنی ناوک دلدوز امشب

من همان در تیره شب می‌یابم از جام شراب

بر گوشه چشم آمد و بر جای تو نشست

گر نیک نام بایدت در باز نام و ننگ را

(۴) الف، ج، د، ب

(سراسری زبان ۹۷)

ابر گریان دارد و خورشید خندان نیز هم

کاندرا این دیر کهن کار سبکباران خوش است

گوییا در چمن لاله و ریحان بودم

به شکر خنده بگشاید دهان را

(سراسری زبان ۹۷)

با گل روی تو بازار لطافت بشکست

لیکن سخن ار هست در آن پسته دهان است

ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش

دل در وفای صحبت رود کسان مبند

(سراسری زبان ۹۷)

نور خورشید فروزنده نگردد کم و بیش»

(۲) استعاره، تشبیه، اسلوب معادله، مجاز

(۴) جناس تام، ایهام تناسب، اسلوب معادله، استعاره

(سراسری هنر ۹۷)

حیف است که بر خاک نشانند به جز تاک

برخیز پی جلوه که برداریم از خاک

با خوی تو خوش فارغم از تندی افلاک

وز باد لبست خاطر عشاق، طربناک

(سراسری هنر ۹۷)

دو زلف افعی ضحاک و چهره جام جم است»

(۲) تشبیه، پارادوکس، جناس، ایهام

(۴) تشبیه، پارادوکس، تلمیح، جناس

(سراسری هنر ۹۷)

ولی ز شرم تو در غنچه کرد پنهانش

رنگ عشق تازه‌ای می‌ریزد از خاکسترش

تیزی شمشیر پاک از خون کند شمشیر را

دست آخر همه را باخته می‌باید رفت

(۲) ب، ج، د، الف

(۴) د، ج، ب، الف

۹۰- در کدام بیت «تشبیه و استعاره» هر دو، وجود دارد؟

(۱) پشت هر شادی غمی بنهفته بگر که آسمان

(۲) از زبان سوسن آزاده‌ام آمد به گوش

(۳) به تولای تو در آتش محنت چو خلیل

(۴) شکر به خویشتن خندد گر آن ماه

۹۱- آرایه‌های «استعاره، تشبیه، اغراق، مجاز، کنایه» تماماً در کدام بیت، آمده است؟

(۱) نوعروسان چمن را که جهان آرایند

(۲) در موی میانست سخنی نیست که خود نیست

(۳) صبر چون پروانه باید کردنت بر داغ عشق

(۴) خواهی که برنخیزدت از دیده رود خون

۹۲- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«مهر آن مهر، فروغی، نپذیرد نقصان

(۱) جناس، ایهام، کنایه، حسن تعلیل

(۳) جناس تام، استعاره، تضاد، حسن تعلیل

۹۳- کدام بیت فاقد «استعاره» است؟

(۱) جور است که در جام فشاند به جز می

(۲) خاک سر راهت شدم ای لعبت چالاک

(۳) با چشم تو آسوده‌ام از فتنه ایام

(۴) از عکس رخت دامن آفاق، گلستان

۹۴- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟

«تو را که موی میان هم وجود و هم عدم است

(۱) تلمیح، جناس، استعاره، مجاز

(۳) مجاز، تلمیح، تشبیه، ایهام

۹۵- آرایه‌های «ایهام، اسلوب معادله، حس آمیزی و تشبیه» به ترتیب، در کدام ابیات، یافت می‌شود؟

الف) زمانه از ورق گل مثال روی تو بست

ب) شمع من در هر که آتش می‌زند پروانه‌وار

ج) عالمی را کشت و دست و تیغ او رنگین نشد

د) من گرفتم ز قمار از همه عالم بردی

(۱) الف، ج، ب، د

(۳) ج، د، الف، ب

۹۶- در کدام گزینه، به ترتیب، وجه شبه‌های موجود در بیت زیر، «تماماً» درست آمده است؟ (سراسری اختصاصی، خراج ۹۷)

دو زلف، افعی ضحاک و چهره، جام جم است»
(۲) باریکی، پیچیدگی، روشنی
(۴) سیاهی، انبوه بودن، شگفت‌انگیزی

(سراسری اختصاصی، خراج ۹۷)

تا نازد فلک سفله به خورشید و مه‌اش (لفونشر، تشخیص)
تا نشکنی ز سنگ ملامت سبوی خویش (استعاره، تشبیه)
هیچکس در طلب نوش نخورد این همه نیش (جناس، تضاد)
مجمر نکرده ز آتش خود باسپند خویش (اغراق، جناس تام)

(سراسری اختصاصی، خراج ۹۷)

مرا که میل عراق است و شاهدان عراقی»
(۴) اصفهان و عراق

(سراسری اختصاصی، خراج ۹۷)

نشد گشاده شود عقده‌های مشکل ما
این زیان‌ها را سراسر سود می‌دانیم ما
فیض صبح از سینه بی‌کینه می‌یابیم ما
وگرنه مهر خموشی است جام عشرت ما
در هلاک خویش چون پروانه بی‌تاییم ما
(۲) ب، د، ج، ه، الف
(۴) ه، ج، د، ب، الف

(سراسری اختصاصی، خراج ۹۷)

می‌رود و نمی‌رود ناقله به زیر محلم
گل زین چمن تمام به چیدن نمی‌شود
مکرر قند می‌ریزد لب لعل شکر بارش
وین غم دیگر که دور از روی یارم می‌کشد
در انتظار قامت رعنائی او بود
(۲) ب، د، ج، ه، الف
(۴) ب، الف، ه، ج، د

(سراسری اختصاصی ۹۷)

خاتم دست سلیمان به کف اهرمن است (اسلوب معادله، کنایه)
هزار مرتبه عشق از غم جدایی (مجاز، ایهام)
دور فلک آزاد ز بند محنش کرد (تشبیه، حسن تعلیل)
برگ هوس توان سوخت ترک هوا توان کرد (استعاره، تضاد)

(سراسری اختصاصی ۹۷)

که ریخت خون جهانی به خاک راهگذارش
که خون شیر خورند آهوان شیر شکارش
چه باده‌ها که کشیدم ز لعل باده گسارش
گلی که بلبل مسکین کشید زحمت خارش

«تور را که موی میان، هم وجود و هم عدم است

(۱) سیاهی، پیچیدگی، روشنی

(۳) بلندی، پیچیدگی، شگفت‌انگیزی

۹۷- آرایه‌های مقابل ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

(۱) کاش در پرده شب و روز نیوشی رویت
(۲) کی می‌رسی به حلقه رندان پاکباز
(۳) قوت من خون جگر بود ز یاقوت لبش
(۴) شوق سپند خال تو کرد آنچه با دلم

۹۸- در بیت زیر، همه واژه‌ها «ایهام یا تناسب» دارند؛ به جز:

«نوا نغمه عشاق از اصفهان چه خوش آید

(۱) شاهد و میل (۲) نوا و اصفهان (۳) نوا و عشاق

۹۹- آرایه‌های «ایهام، تضاد، مجاز، پارادوکس و استعاره» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (سراسری اختصاصی، خراج ۹۷)

(الف) هزار ناخن تدبیر غوطه در خون زد
(ب) نیست مار را وحشتی از برگ ریزان حواس
(ج) شب به چشم ما نسازد روز روشن را سیاه
(د) دهن چو شیشه گشاییم بهر شادی خلق
(ه) می‌شود روشن ز خاموشی چراغ عاشقان
(۱) ب، الف، ج، د، ه
(۳) الف، ج، ه، ب، د

۱۰۰- ترتیب و توالی ابیات زیر به لحاظ آرایه‌های «ایهام، استعاره، حسن تعلیل، تشبیه و مجاز» کدام است؟ (سراسری اختصاصی، خراج ۹۷)

(الف) بار فراق دوستان بس که نشسته بر دلم
(ب) سیر از رخ تو دیده به دیدن نمی‌شود
(ج) دما دم تلخ می‌گوید دعاگویان دولت را
(د) غم هجوم آورده می‌دانم که زارم می‌کشد
(ه) دانی قیامت از چه ندارد سر قیام
(۱) ج، ب، د، الف، ه
(۳) د، ج، ه، الف، ب

۱۰۱- آرایه‌های مقابل «همگی» درست است؟

(۱) تا رقیب از لب او کامروا شد گفتم
(۲) سزای من که دمی خرم از وصال شدم
(۳) تا سرو پی بندگی قد تو برخاست
(۴) گر جذبه محبت آتش به دل فروزد

۱۰۲- کدام بیت، دارای یک «استعاره و بیش‌ترین مجاز» است؟

(۱) چگونه سرو روانی به فکر خون من افتد
(۲) مرا به صیدگهی می‌کشد کمند محبت
(۳) چه عشوه‌ها که خریدم ز چشم عشوه فروشش
(۴) کجا رواست که یکجا رود به دامن گلچین

۱۰۳- کدام بیت دارای «تلمیح، حس آمیزی، ایهام تناسب و ایهام» است؟

(سراسری اختصاصی ۹۷)

هم از آن روی نکو یوسف هر بازاری
کجا آگاهی از شوریده حال کوهکن داری
کام دل کی از لب شیرین جوابت دیدمی
باریک تر ز رشسته باریک مریمی

(۱) هم آن موی سیه مایه هر سودایی
(۲) تو شکر لب که با خسرو بسی شیرین سخن داری
(۳) گر به تلخی جان شیرینم نمی آمد به لب
(۴) زان رو به شکل سوزن عیسی شدم که تو

۱۰۴- آرایه‌های «تشبیه، جناس، ایهام، استعاره، اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات، وجود دارد؟ (سراسری اختصاصی ۹۷)

تا بشویم جامه جان را به آب چشم جام
سودی که ز سودای تو کردیم زبان شد
گفتا نتوان ساخت ز یک نقطه دهانی
زان خواننده فلک نادره دور زمانست
ندارد حاصلی در بحر بی ساحل شنا کردن

(الف) خون دل تا چند نوشم باده نوشین بیار
(ب) نقدی که ز بازار تو بردیم تلف گشت
(ج) گفتم ز دل خویش دهان سازمت ای ماه
(د) مانند تو بر روی زمین نادره نیست
(ه) عنان مصلحت در عشق می باید رها کردن

(۲) ج، ب، د، الف، ه

(۱) ج، الف، ب، د، ه

(۴) د، الف، ه، ج، ب

(۳) د، ج، ه، الف، ب

۱۰۵- آرایه‌های «تشبیه، اغراق، ایهام و لف نشر» به ترتیب، در کدام ابیات، آمده است؟

(سراسری اختصاصی ۹۷)

گویمش این چنین بکن صورت قوس و مشتری
هرگز خبرم نیست نه از صبح و نه از شام
سپیر انداخته تیغ دو ابروی توام
که به جان در طلب قامت دلجوی توام

(الف) نسخه چشم و ابرویت پیش نگارگر برم
(ب) تا زیب بناگوش تو شد طره مشکین
(ج) سینه چاکان محبت همه دانند که من
(د) ای قیامت تو نشانی، برخیز

(۲) د، ب، ج، الف

(۱) د، ج، الف، ب

(۴) ج، الف، ب، د

(۳) ج، د، الف، ب

پاسخ نامه آرایه‌های ادبی

«استاد ذاکری»

۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۱ ☐ ☐ ☐ ☐
۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۲ ☐ ☐ ☐ ☐
۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۳ ☐ ☐ ☐ ☐
۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۴ ☐ ☐ ☐ ☐
۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۵ ☐ ☐ ☐ ☐
۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۶ ☐ ☐ ☐ ☐
۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۷ ☐ ☐ ☐ ☐
۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۸ ☐ ☐ ☐ ☐
۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۹ ☐ ☐ ☐ ☐
۱۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۲۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۳۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۴۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۵۰ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۱ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۱ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۲ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۲ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۳ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۳ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۴ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۴ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۵ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۵ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۶ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۶ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۷ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۷ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۸ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۸ ☐ ☐ ☐ ☐
۵۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۶۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۹ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۹ ☐ ☐ ☐ ☐
۶۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۷۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۸۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۹۰ ☐ ☐ ☐ ☐	۱۰۰ ☐ ☐ ☐ ☐
۱۰۱ ☐ ☐ ☐ ☐				
۱۰۲ ☐ ☐ ☐ ☐				
۱۰۳ ☐ ☐ ☐ ☐				
۱۰۴ ☐ ☐ ☐ ☐				
۱۰۵ ☐ ☐ ☐ ☐				